

صور تجلسه همایش کانون صنفی استادان ایران

دانشگاه: ظرفیت ها و چالش ها؛ از مرجعیت تا معیشت

۲۶ شهریورماه ۱۴۰۵ دانشگاه تهران

۸:۳۰: آغاز (سرود و قرآن)

۸:۴۰: دکتر کارن ابری نیا دبیر کانون صنفی استادان دانشگاهی ایران

سلام و خوش آمد می گویم خدمت همکاران و استادان گرامی و مهمانان گران قدر و استاد بزرگوار، جناب آقای دکتر عارف عزیز، ریاست محترم کانون صنفی استادان دانشگاهی ایران و معاون اول ریاست جمهوری. در ابتدا لازم می دانم از این تریبون از زحمات شبانه روزی و بی وقفه و پربار جناب آقای دکتر عارف در این دوران دشوار و بی مانند کشور تشکر و قدردانی نمایم؛ چرا که با کاربست چنین تجارب، دانش، هوش و تدبیر و مدیریتی بوده که کشور به سامان است و کمبودی حس نمی شود و دسترسی به همه کالاها، کموبیش، اگرچه بعضاً با قیمت های گزاف، وجود دارد. البته اکنون که از این موهبت برخوردار هستیم، آن را حس نمی کنیم. امروز به اختصار گزارشی از روند موضوع ترمیم حقوق اعضای هیأت علمی که کانون مبتکر و پیگیر آن بوده است، خدمت شما عزیزان ارائه می دهم. از ابتدای تأسیس کانون در سال ۱۳۹۲ که با همت و پیگیری های آقای دکتر عارف تشکیل گردید، موضوع معیشت اعضای هیأت علمی یکی از اصلی ترین دغدغه های کانون بوده است. در همه دولت ها از آن زمان تاکنون این موضوع با جدیت پیگیری شده است و سرانجام وقتی ترمیم حقوق به صورت قانون درآمد که آقای دکتر عارف مجدداً به عنوان معاون اول ریاست جمهوری قبول مسئولیت کردند، درست به مانند زمانی که در دولت آقای خاتمی این مسئولیت را داشتند و شاهد ۳ برابر شدن حقوق اعضای هیأت علمی بودیم. در سال ۱۴۰۴ کارگروه ارتقای علم و فناوری توسط آقای دکتر عارف با حضور مسئولین ذی ربط و برخی شخصیت های برجسته علمی و نیز برخی از اعضای کانون تشکیل گردید. از جمله وظایف این کارگروه که به ریاست آقای دکتر توفیقی تشکیل می گردید، تهیه طرحی برای ترمیم حقوق اعضای هیأت علمی بوده است. جناب آقای دکتر عسکریان با کمک آقای دکتر توکلی از اعضای شورای مرکزی کانون، یک مطالعه ای را در خصوص وضعیت معیشتی اعضای هیأت علمی انجام دادند که نشان می داد براساس قدرت خرید سال ۱۳۸۴، حقوق اعضای هیأت علمی باید ۵ برابر افزایش یابد تا در سال ۱۴۰۴ حقوق آنها با سال ۱۳۸۴ برابری کند. با توجه به مطالعاتی که توسط آقای دکتر پندار از وزارت علوم نیز انجام شده بود و بحث و بررسی هایی که در جلسات مکرر در کارگروه فوق الذکر در سال ۱۴۰۴ انجام شد، مقرر شد که طی دو ماه آخر سال ۱۴۰۴ حقوق اعضای هیأت علمی به میزان ۷۵ درصد افزایش یابد.

در ادامه همه می دانیم که این طرح ترمیم حقوق که می توانست یک امتیاز و دستاورد بزرگ برای دولت و نظام محسوب شود، با کج فهمی ها، حسادت ها و غرض ورزی هایی که از سوی افراد مختلف با نیت های متفاوت مطرح شد و به سرعت انتشار یافت، تبدیل به یک زخم و جراحت عمیق در روح و روان اعضای هیأت علمی و یک ضعف بزرگ در حکمرانی دولت و نظام گردید که تا به امروز برطرف نشده است؛ اگرچه به صورت قطره چکانی و با تأخیر و ایجاد تنش و نگرانی، اما طی پنج ماه گذشته پرداخت ها براساس احکام صورت گرفته است. برای ما پرواضح است که اگر مقاومت اعضای هیأت علمی، رؤسای دانشگاه ها و دو وزارت خانه عتف و بهداشت و حمایت شخص معاون اول نبود، این احکام قانونی تاکنون ملغی شده و به محاق رفته بود. متأسفانه موضوع ترمیم حقوق اعضای هیأت علمی به شکل نامناسب و غیرواقعی در برخی دوایر مطرح و منتشر شده است و در اینجا لازم است که در این خصوص روشنگری بنماییم. وقتی از ترمیم حقوق اعضای هیأت علمی سخن می گوئیم، نباید این موضوع را صرفاً به افزایش یک عدد در فیش حقوقی تقلیل دهیم. حقوق استاد، بخشی از زیرساخت کیفیت آموزش عالی کشور است.

عضو هیأت علمی برای آنکه بتواند با آرامش و تمرکز به تدریس، پژوهش، راهنمایی دانشجویان، حل مسائل صنعت و جامعه و تربیت نسل آینده بپردازد، به امنیت شغلی، ثبات اقتصادی و چشم‌انداز روشن حرفه‌ای نیاز دارد. اگر درآمد استاد با هزینه‌های واقعی زندگی، مسئولیت‌های خانوادگی، هزینه‌های پژوهش، رفت‌وآمد، آموزش فرزندان و الزامات زندگی حرفه‌ای تناسب نداشته باشد، پیامد آن فقط نارضایتی فردی نیست. این وضعیت می‌تواند به کاهش انگیزه، فرسودگی شغلی، کاهش زمان اختصاص‌یافته به پژوهش، افزایش اشتغال‌های جانبی ناخواسته (رانندگی در اسنپ) و در مواردی مهاجرت نیروهای متخصص منجر شود. بنابراین، ترمیم حقوق اعضای هیأت علمی باید به‌عنوان **سرمایه‌گذاری برای حفظ سرمایه انسانی کشور دیده شود**، نه صرفاً افزایش هزینه‌های جاری دولت. کشوری که برای تربیت یک استاد، سال‌ها آموزش، پژوهش و منابع عمومی صرف کرده است، باید برای حفظ و بهره‌وری این سرمایه نیز برنامه داشته باشد. اما در اینجا لازم است بر یک نکته مهم تأکید کنم: ترمیم حقوق، زمانی مؤثر است که واقعی، پایدار و متناسب با شرایط اقتصادی و حرفه‌ای اعضای هیأت علمی باشد. افزایش‌های مقطعی که در برابر تورم و افزایش هزینه‌های زندگی به‌سرعت بی‌اثر می‌شوند، نمی‌توانند مسئله را به‌صورت بنیادی حل کنند. از این رو، ما نیازمند نگاهی جامع به نظام جبران خدمات استادان هستیم؛ نگاهی که مؤلفه‌های زیر را دربرگیرد:

- بازنگری در حقوق پایه و تناسب آن با مسئولیت‌های علمی و مدیریتی؛
- جبران اثر تورم و کاهش قدرت خرید از طریق سازوکارهای روشن و قابل پیش‌بینی؛
- اصلاح و تقویت فوق‌العاده‌ها و مزایای شغلی متناسب با شرایط واقعی زندگی؛
- توجه به تفاوت‌های منطقه‌ای میان سطوح علمی، سابقه خدمت و مسئولیت‌های دانشگاهی؛
- حمایت از اعضای هیأت علمی جوان و تازه‌استخدام‌شده که در آغاز مسیر حرفه‌ای خود با فشارهای اقتصادی جدی مواجه‌اند؛
- توجه به بازنشستگان دانشگاهی که بخش مهمی از سرمایه علمی کشور هستند؛
- و ایجاد شفافیت در نظام پرداخت و تصمیم‌گیری‌های مرتبط با آن .

ما بر این باوریم که دانشگاه هزینه اضافی نیست؛ **دانشگاه، بنیان توسعه علمی، فناوری، فرهنگی و اقتصادی کشور است. مسئله فقط حقوق نیست؛ مسئله منزلت و آینده حرفه‌ای است.** همکاران گرامی، در کنار حقوق، باید از منزلت حرفه‌ای عضو هیأت علمی نیز سخن گفت. استاد دانشگاه فقط دریافت‌کننده حقوق نیست؛ او تولیدکننده دانش، تربیت‌کننده نیروی انسانی، داور علمی، مشاور جامعه و یکی از ارکان اصلی آینده کشور است. از این منظر، ترمیم حقوق باید در کنار مجموعه‌ای از اصلاحات قرار گیرد:

- ثبات و پیش‌بینی‌پذیری مقررات استخدامی و ارتقای علمی؛
- کاهش بروکراسی‌های غیرضروری؛
- حمایت واقعی از پژوهش و فرصت مطالعاتی؛
- تأمین امکانات مناسب آموزشی و آزمایشگاهی؛
- رعایت شأن و استقلال و آزادی حرفه‌ای دانشگاهیان؛
- و مشارکت دادن اعضای هیأت علمی در تصمیم‌هایی که مستقیماً بر زندگی و کار آنان اثر می‌گذارد .

استادِ برخوردار از منزلت، امنیت و امکان اثرگذاری، بهتر می‌تواند به دانشگاه و جامعه خدمت کند. در این میان نقش کانون چیست؟ دورنمای کانون برای من همیشه یک شبکه منسجم تشکیلاتی از اعضای هیأت علمی بوده است که فعال، کنشگر و مثبت‌اندیش است و برای دست یافتن

به آرمان‌های خود مسیر دانش و عقلانیت را طی می‌کند، مسیری که به دور از رادیکالیسم و عافیت‌طلبی است. در اینجا لازم است بر یک اصل تأکید کنم: تقویت تشکیلات صنفی در هیچ کجای دنیا به معنای تقابل با حاکمیت نیست؛ بلکه به معنای تقویت گفت‌وگوی مسئولانه میان جامعه دانشگاهی و نهادهای تصمیم‌گیر است. ما معتقدیم مطالبه‌گری صنفی می‌تواند هم‌زمان صریح، مستند، قانونی، اخلاقی و سازنده باشد. هدف کانون صنفی استادان دانشگاهی ایران، تقویت نهاد علم (دانشگاه، پژوهشگاه و...) و دفاع از حقوق و منزلت اعضای آن است. ما باید بتوانیم مطالبات خود را با زبان کارشناسی و بر پایه داده و شواهد مطرح کنیم. برای مثال، در موضوع حقوق، لازم است به جای اکتفا به بیان کلی مشکلات، گزارش‌هایی درباره روند قدرت خرید، مقایسه جبران خدمات، هزینه‌های واقعی زندگی، وضعیت اعضای جوان، شرایط بازنشستگان و آثار اقتصادی تصمیم‌های بودجه‌ای تهیه کنیم. مطالبه‌گری مؤثر، ترکیبی از حق‌خواهی و کارشناسی است. ما باید پیش از هر چیزی، با خودمان صادق باشیم و روشن کنیم که به چه ارزش‌هایی باور داریم و چه چیزهایی را شایسته دفاع و ایستادگی می‌دانیم. زیرا هیچ جامعه‌ای بدون آرمان، و هیچ تحول بزرگی بدون اراده و عمل جمعی، به سرانجام نمی‌رسد. اگر ما، صاحبان اندیشه و دانش، در دفاع از ارزش‌های انسانی، کرامت علم، آزادی اندیشه و استقلال دانشگاه سکوت کنیم، طبیعی است که میدان را به کسانی واگذار خواهیم کرد که برای ارزش‌هایی فروتر، اما با اراده‌ای بیشتر، تلاش می‌کنند. ما نباید اجازه دهیم که بی‌تفاوتی، جای مسئولیت را بگیرد و سکوت، جای مطالبه‌گری را. دانشگاه تنها محل انتقال دانش نیست؛ سنگر حقیقت‌جویی، پرورش آزاداندیشی و پاسداری از کرامت انسان است. دفاع از منزلت استاد، دفاع از آینده علم و آموزش این سرزمین است؛ و دفاع از حقوق اعضای هیأت علمی، بخشی از مسئولیت ما در قبال دانشجویان، دانشگاه و جامعه است. امروز بیش از هر زمان دیگر به همبستگی، تشکل و کنش جمعی نیاز داریم. اگر ارزش‌های خود را باور داریم، باید برای آنها بایستیم؛ اگر عدالت و کرامت را ضروری می‌دانیم، باید برای تحقق آنها مطالبه‌گر باشیم؛ و اگر آینده‌ای بهتر برای دانشگاه و کشور می‌خواهیم، باید سهم خود را در ساختن آن، با شجاعت و مسئولیت‌پذیری ایفا کنیم.

ارزش‌ها زمانی زنده می‌مانند که از آنها دفاع کنیم؛ و آینده زمانی ساخته می‌شود که برای آن، آگاهانه و متحدانه گام برداریم.

ما در کانون صنفی استادان دانشگاهی ایران بر این باوریم که می‌توان با حفظ استقلال، رعایت قانون، گفت‌وگوی سازنده و تکیه بر دانش و تجربه دانشگاهیان، مسیر مطالبه‌گری را تقویت کرد. بیایید از پراکندگی عبور کنیم؛ از بیان صرف مشکلات به ارائه راه‌حل برسیم؛ از واکنش‌های مقطعی به پیگیری مستمر حرکت کنیم؛ و از فردمحوری به نهادسازی و کار جمعی روی آوریم. آینده دانشگاه، فقط به تصمیم‌های مسئولان وابسته نیست؛ به میزان مشارکت، همبستگی و مسئولیت‌پذیری جامعه دانشگاهی نیز بستگی دارد. از توجه شما سپاسگزارم.

۹:۰۰: دکتر ژاله حساسخواه عضو شورای مرکزی کانون صنفی استادان دانشگاهی ایران

سلام عرض می‌کنم خدمت استادان محترم، همکاران گرامی و همه عزیزانی که در این نشست حضور دارند. عنوان صحبت من «از مرجعیت تا معیشت: مسئله ظرفیت دانشگاه» است. می‌خواهم بحث را با یک تصویر و یک سؤال ساده آغاز کنم: **استاد چقدر کار می‌کند؟** و شاید سؤال مهم‌تر این باشد که استاد چقدر از توان خود را می‌تواند صرف کار واقعی دانشگاهی کند؟ این دو سؤال الزاماً پاسخ یکسانی ندارند. ما معمولاً میزان کار را با میزان حضور، تعداد ساعت کار، کلاس‌ها، جلسات و فعالیت‌های انجام‌شده می‌سنجیم؛ اما مسئله‌ای که می‌خواهم مطرح کنم، «ظرفیت» است. **ظرفیت با عملکرد یکی نیست و داشتن توان نیز الزاماً به معنای امکان بالفعل کردن آن توان نیست.** توان در انسان وجود دارد، اما ظرفیت در محیط شکل می‌گیرد. پس باید پرسیم چه چیزی ظرفیت استاد را پیش از آنکه به عملکرد علمی تبدیل شود، مصرف می‌کند؟ قواعد، فرایندها، پیگیری‌های مداوم، بی‌ثباتی و هزینه فرصت، هر کدام بخشی از ظرفیت استاد را می‌گیرند. جلسات بی‌نتیجه، انتظارهای اداری، ابهام، تغییر ناگهانی مقررات و هماهنگی‌های مکرر، انرژی‌ای را مصرف می‌کنند که می‌توانست صرف آموزش، پژوهش و اندیشیدن شود. از همین‌جا باید میان «کار کردن» و «ساختن» تمایز قائل شویم. حضور داشتن با اندیشیدن یکی نیست؛ انجام وظیفه با خلق کردن یکی نیست؛ خروجی اداری الزاماً دانش نیست و پاسخ‌گویی نیز با قضاوت علمی تفاوت دارد. دانشگاه زمانی وظیفه واقعی خود را انجام می‌دهد که برای اندیشیدن، خلق دانش و قضاوت علمی ظرفیت داشته باشد.

موضوع دوم، **معیشت** است. وقتی درباره معیشت استاد صحبت می‌کنیم، مسئله فقط این نیست که استاد چقدر حقوق می‌گیرد. معیشت مفهومی فراتر از حقوق دارد؛ با شأن، امنیت و پیش‌بینی‌پذیری ارتباط دارد. معیشت یعنی داشتن افق؛ یعنی فرد بتواند آینده را ببیند، احساس امنیت کند و برای زندگی و فعالیت علمی خود برنامه‌ریزی داشته باشد. بنابراین نباید کار دانشگاهی را به کار «کارمندی» تقلیل دهیم. کار دانشگاهی صرفاً حضور در محل کار نیست. در این کار، فکر، قضاوت و خلق کردن اهمیت بنیادی دارد. اگر همه ظرفیت استاد را صرف حضور، پاسخ‌گویی و انجام فرایندهای اداری کنیم، ممکن است ظاهراً کار انجام شده باشد، اما الزاماً چیزی ساخته نشده است. موضوع بعدی **تصمیم‌گیری در دانشگاه** است. مسئله فقط این نیست که تصمیمی گرفته شود. هر تصمیم دانشگاهی مجموعه‌ای از عناصر را در خود دارد: همسویی، همبستگی، مسئولیت، تخصص، زمان، قضاوت، نظم، گزارش، شاخص، هزینه، فایده و بهره‌وری. علاوه بر این، ابعاد اداری، اقتصادی، سیاسی و حرفه‌ای نیز در تصمیم‌ها دخیل هستند. دانشگاه در چهارراه گفتمان‌های مختلف قرار دارد: دانشگاه برای توسعه، دانشگاه برای تولید حکمت، دانشگاه برای تربیت اخلاقی و دانشگاه برای نقد اجتماعی. بنابراین نمی‌توان با یک نگاه تک‌بعدی برای چنین نهادی تصمیم گرفت. ماهیت دانشگاه ایجاب می‌کند که نمایندگان دانشگاهیان در تصمیم‌گیری‌ها حضور داشته باشند. **تصمیم خوب بدون فهم کار دانشگاهی ممکن نیست.** برای تصمیم‌گیری درباره دانشگاه باید زمان، فکر، تخصص و قضاوتی را که در ماهیت فعالیت دانشگاهی نهفته است، شناخت. موضوع دیگری که باید به آن توجه کنیم، **بی‌ثباتی و فداکاری** است؛ هزینه‌ای که معمولاً در هیچ بودجه‌ای دیده نمی‌شود. وقتی استاد دائماً با این سؤال مواجه است که «بعداً چه می‌شود؟»، بخشی از وقت، تمرکز، انگیزه و ظرفیت او مصرف می‌شود؛ ظرفیتی که می‌توانست صرف این پرسش شود که «حالا چه می‌توانم بسازم؟». فداکاری نباید به سیاست توسعه تبدیل شود. توانایی عبور از محدودیت یک فضیلت است، اما وجود دائمی محدودیت، سیاست توسعه نیست. اگر یک نظام دانشگاهی دائماً بر فداکاری افراد برای جبران کاستی‌های ساختاری تکیه کند، به تدریج همان ظرفیت انسانی را که باید موتور توسعه باشد، مصرف خواهد کرد. یکی از نتایج چنین شرایطی **مهاجرت و خروج ظرفیت** است. وقتی یک استاد می‌رود، فقط یک نفر از دانشگاه خارج نمی‌شود؛ دانش، تجربه، شبکه ارتباطی، شیوه اندیشیدن و بخشی از حافظه نهادی نیز همراه او حرکت می‌کند. موضوع بعدی، **مرجعیت دانشگاه** است. دانشگاه باید جایی برای قضاوت بهتر باشد. دانشگاه زنده، دانشگاهی است که بتواند گفت‌وگو کند. مرجعیت از اعتماد، گفت‌وگو و دانش شکل می‌گیرد و می‌توان گفت مرجعیت، **اعتماد انباشته‌شده به کیفیت قضاوت یک نهاد است.** و در اینجا به بخش پایانی صحبت می‌رسیم؛ بخشی که شاید بتوان آن را با این عبارت خلاصه کرد: **از آینده دانشگاه می‌ترسیم... نگرانی امروز ما فقط درباره یک مشکل یا یک تصمیم مشخص نیست. نگرانی ما از روندی است که اگر اصلاح نشود، ممکن است به تدریج بنیان‌های دانشگاه را فرسوده کند.** می‌ترسیم **کرامت استاد فرسوده شود.** نهادهای فقط با منابع مادی زنده نمی‌مانند؛ سرمایه نمادین نیز برای آنها حیاتی است؛ اعتبار، احترام، اعتماد و منزلت اجتماعی. دانشگاهی که سرمایه نمادین استادانش را از دست بدهد، بخشی از توان اثرگذاری خود را نیز از دست خواهد داد. می‌ترسیم استقلال دانشگاه تهدید شود. استقلال علمی برای پژوهشگر یک امتیاز تجملی نیست؛ شرطی برای قضاوت علمی مستقل است. می‌ترسیم کیفیت قربانی کمیت شود و دانشگاه به جای توجه به کیفیت واقعی آموزش و پژوهش، درگیر شاخص‌ها و خروجی‌های کمی شود. می‌ترسیم دانشگاه به کارخانه تولید مدرک تبدیل شود؛ جایی که کلاس برگزار می‌شود، اما سؤال اصلی این باشد که آیا واقعاً یادگیری اتفاق افتاده است؟ می‌ترسیم پژوهش به عدد و رتبه تقلیل پیدا کند و هدف اصلی پژوهش، یعنی تولید دانش، حل مسئله و گسترش مرزهای فهم، در حاشیه قرار گیرد. می‌ترسیم پژوهش از جست‌وجوی حقیقت به مسابقه تولید مقاله تبدیل شود. می‌ترسیم **معاش استاد، اندیشه استاد را به حاشیه براند.** وقتی فرد دائماً در وضعیت فشار و ناامنی قرار داشته باشد، انرژی روانی لازم برای خلاقیت کاهش پیدا می‌کند. می‌ترسیم دانشگاه از خانه اندیشه به اداره‌ای بزرگ تبدیل شود؛ دانشگاهی که بیش از حد درگیر فرم‌ها، امضاها، فرایندها و بروکراسی باشد و وقت و انرژی استاد به جای اندیشیدن و خلق کردن، صرف امور اداری شود. می‌ترسیم بهترین ذهن‌های آینده خود را بیرون از دانشگاه جست‌وجو کنند. وقتی دانشجویان و پژوهشگران جوان آینده روشنی در دانشگاه نبینند، دانشگاه به تدریج توان بازتولید سرمایه انسانی خود را از دست خواهد داد. می‌ترسیم دانشجو، استاد را دیگر الگوی آینده خود نداند. اگر دانشجو نتواند آینده‌ای امیدوارکننده در مسیر علمی ببیند، دانشگاه بخشی از قدرت الهام‌بخشی خود را از دست می‌دهد. می‌ترسیم دانشگاه از جامعه فاصله بگیرد. دانشگاه زمانی مرجعیت دارد که جامعه احساس کند دانشگاه مسائلش را می‌فهمد و برای آنها حرفی برای گفتن دارد. و شاید یکی از خطرناک‌ترین اتفاق‌ها این باشد که **به افول عادت کنیم؛** یعنی وضعیتی که زمانی برای ما غیرقابل قبول بوده، به تدریج عادی شود و دیگر حساسیتی نسبت به آن نداشته باشیم.

در پایان می‌خواهم همان پرسش اصلی را دوباره مطرح کنم:

اگر برای حفظ دانشگاه، آرام آرام ظرفیت دانشگاه را مصرف کنیم، آیا واقعاً دانشگاه را حفظ کرده‌ایم؟

۹:۱۵: دکتر علی اکبر صفوی عضو شورای مرکزی کانون صنفی استادان دانشگاهی ایران

سلام عرض می‌کنم خدمت استادان ارجمند، همکاران گرامی و همه عزیزانی که در این نشست حضور دارند.

موضوعی که امروز می‌خواهم درباره آن صحبت کنم، سرمایه علمی ایران است؛ سرمایه‌ای که داده‌ها نشان می‌دهند بسیار خوب کار می‌کند، اما در عین حال در معرض از دست رفتن قرار دارد. پرسش اصلی من بسیار ساده و در عین حال اساسی است: **آیا ایران توان از دست دادن استادانش را دارد؟** بحث امروز صرفاً درباره حقوق یک قشر نیست. مسئله اصلی، **حفاظت از سرمایه علمی ایران** است. وقتی از سرمایه علمی صحبت می‌کنیم، منظور ما استاد، پژوهشگر، دانشجو و پژوهشگر پسادکتری است. باید ببینیم این سرمایه انسانی چه بازدهی علمی برای کشور ایجاد می‌کند، از نظر کیفیت، استناد و حضور در علم جهانی در چه جایگاهی قرار دارد و در مقابل، با چه میزان ریسک خروج و مهاجرت و فرسایش ظرفیت آینده مواجه است. بنابراین پرسش سیاستی ما باید این باشد که چگونه می‌توان سرمایه‌ای با بازده بالا را در کشور نگه داشت؟

اجازه دهید ابتدا به چند عدد توجه کنیم. براساس گزارش‌های مؤسسه استنادی و پایش علم و فناوری جهان اسلام، در مقایسه میان ۲۰ کشور پرتولید علم در سال ۲۰۲۵، سهم ایران از بودجه تحقیق و توسعه تنها **۰٫۳۸ درصد** بوده است. در مقابل، سهم ایران از مقالات Q1 حدود **۱٫۸۹ درصد** و سهم مقالات Q1 و Q2 در مجموع **۲٫۱۲ درصد** بوده است. معنای این اعداد روشن است: **خروجی علمی باکیفیت ایران چند برابر سهمی است که از منابع پژوهشی در اختیار دارد.**

اگر بهره‌وری نسبی سرمایه‌گذاری پژوهشی را نیز بررسی کنیم، تصویر حتی روشن‌تر می‌شود. ایران در هر دو شاخص کیفیت مورد بررسی در رتبه نخست قرار گرفته است؛ شاخص بهره‌وری نسبی برای مقالات Q1 برابر **۴٫۹۷** و برای مجموعه مقالات Q1 و Q2 برابر **۵٫۵۸** گزارش شده است. بنابراین مسئله اصلی، کم‌کاری یا ضعف بهره‌وری اعضای هیئت علمی نیست؛ مسئله، **شکاف میان ظرفیت انسانی پژوهش و سطح واقعی سرمایه‌گذاری** است. از نظر اثرگذاری استنادی نیز وضعیت قابل توجه است. شاخص استناد نرمال شده ایران از سال ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۴ افزایش یافته و نرخ رشد آن **۹٫۸ درصد** گزارش شده است؛ بالاترین نرخ رشد در میان ۲۰ کشور مورد بررسی. شاخص دیگری که کیفیت تولید علم را نشان می‌دهد، سهم مقالات پراستناد است. از هر ۱۰۰ مدرک علمی ایران، نزدیک به **۱۶ مدرک در میان ۱۰ درصد مدارک برتر پراستناد** قرار دارد. ایران در این شاخص از رتبه هشتم در سال ۲۰۲۳ به رتبه ششم در سال ۲۰۲۵ رسیده و تنها کشور این گروه بوده که ارتقای دوپله‌ای داشته است. اینجا با یک پارادوکس مهم مواجه می‌شویم. از نظر تعداد کل مدارک علمی، رتبه ایران از ۱۶ به ۱۸ رسیده، اما از نظر کیفیت مقالات پراستناد، رتبه از ۸ به ۶ بهبود یافته است. بنابراین می‌توان این وضعیت را در یک جمله خلاصه کرد: **موتور علمی ایران خراب نشده است؛ سوخت و نگهداشت آن در خطر است.** اما حالا باید پرسید چه اتفاقی برای این سرمایه در حال وقوع است؟

براساس برآورد ارائه شده درباره مهاجرت پژوهشگران ایرانی، از سال ۲۰۱۰ تاکنون حدود **۱۲ هزار پژوهشگر** مهاجرت کرده‌اند و حدود **۶۰ درصد رشد این مهاجرت مربوط به سه سال اخیر** بوده است. در این آمار، پژوهشگر می‌تواند عضو هیئت علمی، دانشجو یا پژوهشگر پسادکتری باشد. خروج پژوهشگر صرفاً خروج یک فرد نیست؛ **خروج بخشی از ظرفیت تولید علم کشور است.** برای سال ۲۰۲۴، ۲۸ هزار و ۸۲۶ مدرک علمی توسط پژوهشگران مهاجرت کرده منتشر شده، در حالی که ۶۹ هزار و ۱۳۹ مدرک از داخل ایران ثبت شده است. برآورد گزارش نشان می‌دهد اگر این پژوهشگران همچنان در چرخه علمی ایران حضور داشتند، تولید علمی کشور می‌توانست به حدود **۹۸ هزار مدرک** برسد و ایران در این سناریو امکان قرار گرفتن در **رتبه ۱۳ جهان** را داشت. این اعداد به ما نشان می‌دهد که مهاجرت فقط یک مسئله فردی نیست. با خروج هر پژوهشگر، بخشی از سرمایه‌ای که سال‌ها برای تربیت آن هزینه شده و می‌توانسته در تولید علم، تربیت دانشجو، توسعه فناوری و

حل مسائل کشور نقش داشته باشد، از چرخه علمی کشور خارج می‌شود. از این منظر، باید نگاه خود را به **حقوق استاد** نیز تغییر دهیم. حقوق استاد صرفاً یک هزینه جاری نیست؛ یکی از ابزارهای نگهداشت سرمایه انسانی علمی کشور است. شرایط حرفه‌ای و معیشتی مناسب، امکان حفظ انگیزه و تمرکز بر آموزش و پژوهش را فراهم می‌کند. در کنار آن، پژوهش باکیفیت به گزینش رقابتی، زیرساخت و حمایت از انتشار نیاز دارد و برای حفظ و بازگرداندن پژوهشگران نیز باید شبکه‌های بین‌المللی و سازوکارهای جذب پژوهشگران برجسته تقویت شود.

در عین حال، اعضای هیئت علمی صرفاً تولیدکننده مقاله نیستند. ارتباط دانشگاه با جامعه و صنعت نیز طی سال‌های گذشته به شدت گسترش یافته است. تعداد قراردادهای ارتباط با جامعه و صنعت در حال اجرا از ۲۹۶۸ قرارداد در سال ۱۳۹۴ به ۱۳۲۴۲ قرارداد در سال ۱۴۰۴ رسیده است. از نظر ارزش مالی نیز همین روند دیده می‌شود. مبلغ قراردادهای در حال اجرای ارتباط با جامعه و صنعت از ۳۵۶ میلیارد تومان در سال ۱۳۹۴ به ۱۱ هزار و ۷۵۲ میلیارد تومان در سال ۱۴۰۴ افزایش یافته است. بنابراین دانشگاه و اعضای هیئت علمی علاوه بر تولید علم، در حل مسائل جامعه و صنعت نیز نقش فزاینده‌ای ایفا کرده‌اند.

در اینجا باید یک پرسش مهم مطرح کنیم: **هزینه نگهداشت یک استاد بیشتر است یا هزینه از دست دادن او؟**

استاد دانشگاه یک ردیف هزینه در بودجه نیست؛ بخشی از زیرساخت توسعه کشور است. تصمیمی که امروز درباره نگهداشت سرمایه علمی می‌گیریم، تعیین خواهد کرد که علم ایران در ده سال آینده را چه کسانی و در کجا تولید خواهند کرد. در بحث معیشت استاد نیز مسئله فقط عدد درج‌شده در فیش حقوقی نیست؛ مسئله اصلی قدرت خرید واقعی است. اگر حقوق به صورت اسمی افزایش پیدا کند، اما این افزایش از تورم عقب بماند، در عمل ترمیمی صورت نگرفته است. کاهش قدرت خرید، همراه با فشار تورمی، به تدریج بر توان کشور برای نگهداشت سرمایه انسانی علمی اثر می‌گذارد. در سال ۱۴۰۵، پیشنهاد ترمیم ۷۵ درصدی حقوق اعضای هیئت علمی به موضوعی ملی و محل مناقشه تبدیل شد. یک نگاه این است که افزایش متفاوت حقوق یک گروه می‌تواند نسبت به سایر کارکنان دولت نوعی تبعیض تلقی شود. در مقابل، نگاه دیگری وجود دارد که این ترمیم را جبران سال‌ها عقب‌ماندگی حقوق اعضای هیئت علمی نسبت به تورم و ابزاری برای حفظ استاد و کیفیت دانشگاه می‌داند. بنابراین مسئله‌ای که باید درباره آن تصمیم بگیریم، نسبت میان عدالت بین گروه‌ها و هزینه از دست دادن سرمایه علمی است.

نکته دیگری که نباید فراموش کنیم این است که رقابت برای جذب استاد و پژوهشگر، دیگر صرفاً یک رقابت داخلی نیست؛ رقابتی جهانی است. دانشگاه‌ها در یک بازار بین‌المللی برای جذب و نگهداشت پژوهشگران رقابت می‌کنند. حقوق و قدرت خرید تنها یکی از عوامل است، اما عامل بی‌اهمیتی نیست. امنیت و ثبات، آزادی و محیط علمی و زیرساخت پژوهشی نیز در تصمیم یک استاد یا پژوهشگر برای ماندن یا رفتن تأثیر دارند. بنابراین ترمیم حقوق همه راه حل نیست، اما اگر آن را از بسته سیاستی نگهداشت حذف کنیم، این سیاست از ابتدا ناقص خواهد بود.

اجازه دهید کل بحث را با چهار عدد جمع‌بندی کنم: ۰٫۳۸ درصد سهم ایران از منابع تحقیق و توسعه در میان کشورهای مورد بررسی؛ رتبه نخست در بهره‌وری کیفی پژوهش؛ حدود ۱۲ هزار پژوهشگر مهاجرت کرده از سال ۲۰۱۰؛ و رتبه ۱۳ جهان در سناریویی که ظرفیت علمی مهاجرت کرده در چرخه تولید علم ایران باقی می‌ماند. وقتی سرمایه‌ای با منابع اندک چنین بازده بالایی دارد و هم‌زمان در معرض خروج است، نگهداشت آن هزینه مصرفی نیست؛ سرمایه‌گذاری ملی است. از این رو، پیشنهاد ما باید یک ترمیم هدفمند، پایدار و قابل دفاع باشد. نخست، ترمیم باید واقعی باشد؛ یعنی مبنای تصمیم، جبران کاهش قدرت خرید و حفظ رقابت‌پذیری حرفه دانشگاهی قرار گیرد. دوم، به یک سازوکار پایدار نیاز داریم؛ ترمیم یک‌باره کافی نیست و باید مانع عقب‌ماندگی مجدد شویم. سوم، باید به نسل جوان دانشگاه توجه ویژه شود؛ استادیاران و اعضای هیئت علمی جوان بیشترین فشار مربوط به مسکن، خانواده و شروع زندگی حرفه‌ای را تحمل می‌کنند. و چهارم، باید یک بسته جامع نگهداشت داشته باشیم که فقط به حقوق محدود نشود، بلکه مسکن، پژوهانه، فرصت علمی، زیرساخت، مسیر شغلی و شأن حرفه‌ای را نیز دربرگیرد.

و در پایان، بار دیگر همان پرسش اصلی را مطرح می‌کنم:

هزینه نگهداشت یک استاد بیشتر است، یا هزینه از دست دادن او؟

استاد دانشگاه یک ردیف هزینه نیست؛ بخشی از زیرساخت توسعه، نوآوری و آینده کشور است. تصمیم امروز درباره معیشت استاد، تصمیم درباره محل تولید علم ایران در دهه آینده است.

۹:۳۰: دکتر بابک سیف عضو شورای مرکزی قانون صنفی استادان دانشگاهی ایران

به نام خداوند جان و خرد

حضور معاون ارجمند نخست جمهوری اسلامی ایران را شادباش می‌گویم. از اینکه یکی از درخشان‌ترین دانشمندان و پاپوران عرصه علم در ایران را در بین خود داریم، خرسندیم.

اما بعد؛

به نمایندگی از جمهور استادان، بر من واجب شده است که درباره دانشگاه و مرارت‌های آن سخن بگویم.

نخست آنکه دیگر بر کسی پوشیده نیست که اگر جان‌فشانی‌های رزمندگان ایرانی چنین نتایج درخشانی را به بار آورده است، به دلیل پشتوانه‌های علمی و فناوری‌های متولدشده در دانشگاه است. دلاوری‌های رزمندگان ایرانی را بزرگ می‌شماریم، اما دانشگاه را نیز باید به همان اندازه ارج نهاد.

بی‌دلیل نیست که علاوه بر قهرمانان خط مقدم دفاع، دانشگاهیان به‌عنوان هدف بنیادین مورد توجه دشمنان ایران بودند. می‌دانیم که دانشگاه‌ها بارها مورد تهاجم در یک جنگ سخت بودند. همه دانسته‌ایم که دانشگاهیان، گاه همراه خانواده، در معرض آسیب و شهادت قرار گرفتند.

از دیگر سو، بدانیم که در یک نظرسنجی در بین استادان، در شرایط جنگی خواسته شد که محل کار و زندگی خود را در کجا ترجیح می‌دهند. جای بسی سربلندی است که نام ایران‌جان بر پیشانی این نظرسنجی با کم که با هیچ همه‌چیز را ساخته است.

چنین توصیف‌ها آشکار است که آنانی که دانشگاه را بزرگ ندارند، ایرانی نمی‌توان نام نهاد. هرچند داستان دانشگاه، به‌ویژه در دو دهه گذشته، داستانی است پرآب‌چشم. آنان برای کشور و آینده آن دندان بر جگر گذاشته و با درد آن کرده‌اند که می‌بینیم.

به نمونه، دانشگاهیان را دچار فرادانشگاهیان کرده‌اند. تصمیم‌گیری علمی در دانشگاه را خارج از دانشگاه به انجام می‌رسانند. نادانشگاهیان هیچ استقلال را برای آن به رسمیت نمی‌شناسند. تراژدی آنگاه کامل شود که بدانیم که ارزیابی‌های علمی و ارتقای استادان را نیز آنان باید نظر دهند.

نتیجه، دانشگاه مرجع به دانشگاه با چالش سترگ در معیشت گرفتار شد و اکنون همانان بعضی نام در دانشگاه ثبت‌نام کردند و هیچ نشانی از آن با خود ندارد.

حدود ۷ ماه است که دانشگاه شاهد شعبده‌بازی سازمان برنامه و بودجه، به‌ویژه رئیس نادانشگاهی آن است. البته نباید از نظر دور داشت که معاون گرامی نخست ریاست جمهوری، بزرگ‌ترین حامی دانشگاه بوده‌اند و از سوی دیگر، قانون صنفی استادان دانشگاهی ایران در کنار وزیران علوم و بهداشت، رایزنی‌های گسترده برای حل مشکل دست‌ساخت سازمان یادشده برپا کرده‌اند و هر بار به عمد آن را بی‌اثر شده یافته‌اند.

استاد دکتر عارف را سپاسگزار است. ایشان سعی بلیغ در این راه داشتند که از حاضرین می‌خواهم در این سپاسگزاری مرا همراهی کنند. اما شوربختانه به نظر می‌رسد که در این پشتیبانی از دانشگاه، همراهی و یاری گسترده‌ای در دسترس نیست.

بنابراین اجازه می‌خواهم که به‌عنوان یک نماینده جمهور استادان، ریاست گرامی جمهور را مورد خطاب قرار دهم:

آقای رئیس‌جمهور، دانشگاه از شما بسیار گله‌مند است.

گفتار شما را در زمان انتخابات ریاست جمهوری به یاد می‌آورم. با آزردهی باید بگویم: آن گفتید و این عمل کردید. شما بر قول خود به استادان استوار نمانده‌اید.

آقای رئیس‌جمهور، شما را دو بار از نزدیک ملاقات کرده‌ام؛ بار نخست به‌عنوان نایب‌رئیس مجلس و بار دوم در یک ملاقات با استادان در دانشگاه تهران برای انتخابات ریاست جمهوری. شما را در رفتار شخصی، فردی دلچسب و البته بسیار محترم یافتیم. اما شما را در خلعت ریاست جمهوری، دیگری یافته‌ام.

به دیگر سخن، رویه شما اعتماد دانشگاه به شما را سلب کرده است. اعتبار شما در نزد استادان به‌واسطه یکی دو معاون شما خدشه یافته است. مهم نیست که بپذیرید یا نپذیرید؛ واقعیت تلخ همان است که اکنون آمده است که رئیس سازمان برنامه شما و به پشتوانه شما، تحقیری بی‌سابقه را به دانشگاه ایرانی تحمیل کرده است.

ما دسترسی به اطلاعات محرمانه نداریم، اما قدرت تحلیل در نزد ما بسیار است. بر اساس اطلاعات آشکار بیان می‌کنم که عده‌ای در دولت شما آرامش را در دانشگاه‌ها برنمی‌تابند.

اکنون، به‌عنوان یک نماینده جمهور استادان، اکنون به‌عنوان یک شهروند، از شما به‌عنوان مسئول عالی کشور می‌خواهم که به غائله فراقانونی علیه استادان مهر پایان زنید.

قانونی که در دولت شما با طی فرایندهای شفاف به تصویب رسیده، از سوی بعضی دولتمردان شما زیر پا نهاده شده است. برای ما باورش سخت است که چنین بی‌اعتنایی به قانون را نظاره می‌کنیم.

اما باور کنید یا نکنید، دانشگاه را به همین علت از دست داده‌اید. باور داشته باشید یا نداشته باشید، اعتبار هر فرد مسئول عالی در کشور، اگر در دانشگاه به خطر افتد، به معنی ناتوانی در مقابله با چالش‌ها خواهد بود.

برای بازگشت این اعتبار نشان دهید که دانشگاه در نزد شما ارزش دارد. به این منظور، در نخستین فرصت، رئیس ضد دانشگاه سازمان برنامه و بودجه را از کار برکنار کنید.

امروز بهتر از فرداست. وجود ایشان برای دانشگاه، نه تنها که برای کشور، مایه چالش‌های سترگ خواهد شد.

در نامه ۵۳ عهدنامه مالک اشتر، حضرت علی آورده است:

«ستون دین، اجتماع مسلمانان و نیروی دفاعی در برابر دشمنان، تنها توده مردم است؛ پس گوش فرا دادن و توجهات به سوی آنان باشد و میل و گرایش تو با ایشان.»

گاه زود دیر می‌شود. مایه شوربختی است که شما به آستانه زمانی خود نزدیک هستید. اگر دانشگاه را درنیاورید، مسیری پرخطر را بر راه ایران و آینده آن باز کرده‌اید.

۹:۴۵: دکتر محمدرضا عارف رییس کانون صنفی استادان دانشگاهی ایران

در طول حدود ۲۵ تا ۲۶ ماه گذشته که دولت مستقر شده است، متأسفانه نتوانستیم تعامل و ارتباط منظم و مستمری با تشکلهای دانشگاهی، به‌ویژه کانون استادان دانشگاه، داشته باشیم و از ظرفیت بی‌نظیر این مجموعه‌ها آن‌گونه که شایسته است استفاده کنیم. این مسئله باید جبران شود. البته ما ایرانی‌ها در توجیه کردن هنرمندیم و اگر امروز از من علت آن را بپرسید، می‌توانم بگویم که در این دو سال کشور با شرایط جنگی و مسائل مختلفی مواجه بوده است؛ اما در هر صورت باید این ارتباط را تقویت کنیم.

یکی از شعارهای اصلی دولت وفاق، استفاده از ظرفیت دانشگاه برای حل مسائل کشور بود. راهبرد کلی دولت نیز اجرای برنامه‌های موجود بوده است. رئیس‌جمهور در رقابت‌های انتخاباتی برنامه جدید و مستقلی ارائه نکرد و با نگاهی فراتر از رقابت‌های سیاسی تأکید داشت که کشور به اندازه کافی برنامه و سند دارد. واقعیت این است که ما در تدوین اسناد بسیار توانمند هستیم و اسناد متعددی نیز در اختیار داریم؛ آنچه بیش از همه نیاز داریم، قدرت و اراده اجرای این برنامه‌هاست. از سوی دیگر، انتخابات به‌صورت زودهنگام برگزار شد و فرصت کافی برای تدوین برنامه‌های

جامع انتخاباتی نیز وجود نداشت. با این حال، از همان روزهای نخست دولت، استفاده از ظرفیت دانشگاه با جدیت مطرح شد؛ به‌ویژه برای مدیریت ناترازی‌های کشور. ناترازی ما فقط به آب، برق و گاز محدود نیست؛ در دانشگاه و بسیاری از بخش‌های دیگر نیز با ناترازی مواجه هستیم. قصد نداریم هیچ دولتی را متهم کنیم؛ هر دولتی که مسئولیت را بر عهده گرفته، متناسب با توان و ظرفیت خود تلاش کرده است. اما از همان ابتدا به این جمع‌بندی رسیدیم که هیچ اولویتی برای کشور بالاتر از **علم و فناوری** نیست.

ما بر نیروی انسانی کشور، که پشتوانه آن استعداد و انگیزه نوجوانان و جوانان ماست، به‌عنوان یک سرمایه ملی و معنوی حساب کرده‌ایم. این سرمایه ابتدا برای کشور مزیت نسبی ایجاد کرد و امروز می‌توان گفت **مزیت مطلق ایران، نیروی انسانی آن است**. منزلت و جایگاه دانشگاه در ایران نیز متفاوت است. به‌ویژه پس از انقلاب، دانشگاه در کشور ما مأموریتی فراتر از وظایف متعارف دانشگاه‌ها در بسیاری از کشورهای جهان بر عهده گرفته و این مسئولیت را به‌خوبی انجام داده است. در این میان، نقش تشکلهایی که برای حفظ شأن و منزلت دانشگاه تلاش می‌کنند بسیار مهم است. کانون استادان دانشگاه نیز با همین نگاه و با تلاش خود شما شکل گرفته است.

در مقطعی، میان استادان دغدغه‌مند دانشگاه بحث‌های فراوانی مطرح بود که چرا از ظرفیت دانشگاه به اندازه کافی استفاده نمی‌شود. فارغ از دلایل آن، امروز باید تلاش کنیم این ظرفیت بالفعل شود. جامعه ما تا حدودی تشکیلات‌زده است، اما در عین حال هنوز تشکلهایی — نه فقط در حوزه سیاسی، بلکه در عرصه‌های صنفی، اجتماعی و فرهنگی — نتوانسته‌اند آن‌گونه که باید محوریت امور را بر عهده بگیرند. کانون نیز در مسیر شکل‌گیری خود با ناملایماتی‌ها و مشکلاتی مواجه شد، اما خوشبختانه روند مناسبی را طی کرده است. اگرچه ماهیت کانون صنفی است، وظایف فرابخشی پیش‌بینی‌شده در اساسنامه آن بسیار مهم و گسترده است. از سوی دیگر، این دولت تقریباً از روز نخست با شرایط جنگی مواجه شد. برای ما دانشگاهیان از اواسط دهه ۱۳۹۰ قابل پیش‌بینی بود که جنگ‌های آینده، بیش از آنکه جنگ‌های سنتی و متکی بر توپ و تفنگ باشند، **جنگ‌های علم و فناوری** خواهند بود. در عصر اطلاعات، دیگر نمی‌توان منطق و الگوی جنگ جهانی دوم را پذیرفت؛ اینکه از راه دور شمار زیادی از انسان‌ها کشته شوند، تجهیزات و آثار تمدنی نابود شوند و حتی سخن از بازگرداندن یک کشور متمدن به عصر حجر گفته شود، در حالی که جامعه جهانی واکنش متناسبی نشان ندهد. امروز شاهد رفتارهایی در جهان هستیم که با ادعاهای تمدن و حقوق بشر سازگار نیست. نفت یک کشور را می‌برند، رئیس‌جمهور یک کشور را بازداشت می‌کنند، ده‌ها هزار نفر در منطقه‌ای مانند غزه کشته می‌شوند و در عین حال همچنان شعار حقوق بشر داده می‌شود. این تناقض‌ها بخشی از واقعیت نظام بین‌المللی امروز است.

در چنین شرایطی، دانشگاه باید در حل ناترازی‌ها و مسائل کشور نقش اساسی داشته باشد. نخستین نکته‌ای که من پیش‌تر در دانشگاه صنعتی شریف نیز مطرح کردم این است که باید **نگاه اداری به دانشگاه را کنار بگذاریم**. دانشگاه اداره نیست که بتوان آن را صرفاً با آیین‌نامه‌ها و ضوابط اداری یکسان اداره کرد. ما دانشگاه را یک **نهاد علمی عمومی** می‌دانیم، نه صرفاً یک نهاد دولتی. این دیدگاه را زمانی که در دانشگاه تهران مسئولیت داشتم نیز دنبال می‌کردم، اما متأسفانه آن دوره به پایان رسید و این موضوع به سرانجام مطلوب نرسید. اگر همان نگاه گذشته به دانشگاه ادامه پیدا کند، مسائلی که امروز مطرح می‌شود همچنان تکرار خواهد شد. دانشگاه باید یک نهاد علمی باشد که وظیفه آن تولید علم و ارائه **«فتوای علمی»** است. اینکه دولت در نهایت به این فتوای علمی عمل کند یا نکند، نباید مانع انجام وظیفه دانشگاه شود. همان‌گونه که پذیرش یک فتوای ارزشی به انتخاب و تکلیف فرد مربوط می‌شود، فتوای علمی نیز باید برای اشخاص حقیقی و حقوقی یک تکلیف و مرجع معتبر باشد. البته دولت‌ها نیز باید به فتوای علمی توجه و عمل کنند، زیرا چنین نظری می‌تواند راه‌حل مسائل کشور را فراهم کند. امروز همه می‌دانیم که در حوزه اقتصاد با مشکلات جدی مواجه هستیم و یکی از مهم‌ترین مسائل مردم **گرانی و معیشت** است. این مسئله با نشستن دو مدیر در کنار یکدیگر حل نمی‌شود. اینکه چه مقدار از این مشکلات قابل حل است و با چه راهکاری می‌توان آنها را کاهش داد، نیازمند **اجماع نخبگانی و علمی** است.

ما واقعاً از مردم عذرخواهی می‌کنیم و شرمند هستیم که امروز دخل و خرج بسیاری از مردم، به‌خصوص حقوق‌بگیران، با یکدیگر سازگار نیست. نمی‌توان در شرایط تورمی بالا، صرفاً با افزایش محدود حقوق انتظار داشت مشکلات معیشتی حل شود. باید برای این وضعیت راه‌حل اساسی پیدا کنیم. در عین حال، نمی‌خواهیم آینده کشور را بدهکار کنیم؛ این کار را خطا می‌دانیم. همچنین نمی‌خواهیم منابع متعلق به نسل‌های آینده را

صرف هزینه‌های جاری کنیم. ما حق بهره‌برداری از انفال و منابع ملی را داریم، اما نمی‌توانیم صرفاً نفت خام را بفروشیم و درآمد آن را خرج کنیم؛ این منابع متعلق به نسل‌های آینده نیز هست. این بحث‌ها جدید نیست و سال‌هاست مطرح است. **دانشگاه باید برای یافتن راه‌حل به دولت کمک کند.**

در جنگ‌های آینده نیز افسران اصلی میدان، **دانشمندان و جوانان دانشگاهی** خواهند بود، زیرا جنگ آینده، جنگ علم و فناوری است. در بخش‌هایی که کشور توانسته دست برتر داشته باشد، بخش مهمی از این موفقیت حاصل تلاش همین دانشجویان و جوانان برجسته، به‌ویژه دانشجویان تحصیلات تکمیلی، کارشناسان ارشد و دکتری است که در مراکز پژوهشی دانشگاهی، دفاعی و راهبردی فعالیت می‌کنند. امیدواریم طرف‌های مقابل به تعهدات خود پایبند باشند و تفاهم‌های صورت گرفته عملی شود. اما حتی اگر یک تفاهم‌نامه نیز به‌طور کامل اجرا شود، مسئله ما با نظام سلطه پایان نمی‌یابد. طی چند دهه گذشته این تقابل عمدتاً به‌صورت غیرمستقیم جریان داشت، اما امروز ابعاد آن آشکارتر شده است.

در این شرایط، سه حوزه **اقتصادی، اجتماعی و جلوگیری یا متوقف کردن پیشرفت علم و فناوری کشور** از عرصه‌های اصلی این تقابل هستند. در هر سه حوزه و به‌خصوص در حوزه سوم، دانشگاه باید میدان‌داری کند. امروز باید نیازهای علمی کشور، نیازهای فناوری و اولویت‌های فناوری را به‌دقت شناسایی کنیم تا ابتدا بتوانیم از نظر علمی و فناوری هم‌سطح رقبای خود قرار بگیریم و سپس از آنها پیشی بگیریم. طرف مقابل به آخرین دستاوردهای علمی و فناوری مجهز است، اما ما نیز توانایی، ظرفیت و نیروی انسانی لازم را داریم.

بسیاری از جوانان برجسته ایرانی که در خارج از کشور حضور دارند نیز آمادگی دارند به کشور کمک کنند. بارها افرادی مراجعه کرده‌اند و گفته‌اند که در یک حوزه تخصصی مشخص توانایی دارند و هر زمان کشور به تخصص آنها نیاز داشته باشد، آماده همکاری هستند. ممکن است در داخل همه ابزارها و امکانات مورد نیاز آنها را نداشته باشیم، اما همین آمادگی، بخشی از **ظرفیت علمی عظیم ایران** است و باید برای استفاده از آن برنامه داشته باشیم. در نهایت، راهبردهای **آموزش، پژوهش و نوآوری** کشور باید بیش از گذشته به سمت نیازهای واقعی ایران هدایت شوند. باید با انسجام بیشتر، تعامل مستمر با دانشگاه‌ها و استفاده از تمام ظرفیت علمی و انسانی داخل و خارج کشور، در جهت تأمین نیازهای علمی و فناوری و افزایش توانمندی‌های ملی حرکت کنیم.

۱۰:۰۵: استراحت و پذیرایی

۱۰:۲۰: تریبون آزاد – گردانندگان دکتر حساسخواه و دکتر حیدری

دکتر فرهاد وفایی عضو شورای مرکزی کانون صنفی استادان

همکاران گرامی؛

اساتید گرانقدر دانشگاه‌های کشور؛

اعضای محترم تشکل‌های صنفی اساتید دانشگاه‌های کشور؛

سلام و احترام

اوایل سال ۱۴۰۵ و پس از ابلاغ و اجرای طرح ترمیم حقوق اعضای هیات علمی به دعوت شورای هماهنگی استان کردستان در اجتماع مردم سنندج از تاب آوری ایران اسلامی در عرصه‌های نظامی، اجتماعی، سیاسی و... گفتیم. آنجا مستدل تبیین کردیم که آنچه در این حوزه‌ها، از تاب آوری کشور میببینیم بخش قابل توجه آن ماحصل و ثمره دانشگاه‌ها و اساتید دانشگاه‌های کشور است.

متناسب با این نقش آفرینی انتظار می‌رفت آنگونه که کانون صنفی اساتید دنبال میکرد طرح ترمیم حقوق موجب جذب، رضایتمندی، ماندگاری و انگیزه بیش از پیش همکاران و اساتید دانشگاههای کشور شود. اما دولت و دولتمردانی از جمله آقای پورمحمدی و آقای قائم پناه و آقای تاج گردون با کج سلیقگی و بی درایتی قریب ۶ ماه است دانشگاهها را به تنش، ابهام، نارضایتی و استیصال دچار ساخته‌اند.

آنچه که این آقایان با بی درایتی به دانشگاهها و دانشگاهیان روا داشته و تحمیل کردند را هیچ خصم خارجی و هیچ متجاوززی قادر به انجام آن نبود.

در طی ۶ ماه گذشته روابط بین الملل، ژئوپولیتیک منطقه تغییر بنیادی پیدا کرد تنگه‌های تاریخی و کانالهای ارتباطی جهانی بسته و در مواردی مسیرهای بی‌سابقه ای ایجاد شد، در همین ساختار اداری و سیاسی در سخت ترین شرایط و زیر بمباران و موشکباران و جولان ریز پرنده و خطر ترور و ... ابر مسئله‌ای همچون رهبری کشور در مدت زمانی شگفت‌آور طرح و نهایی شد. لذا آنچه در ۶ ماه گذشته بر دانشگاهیان تحمیل شده جز بی کفایتی و بی‌درایتی مجریان و کارگزاران نیست و بایستی حساب آن را از ظرفیت‌های نظام اداری، قانونی و حکمرانی کشور جدا کرد.

در پایان عرض شد که به پشتوانه قانون و قانونی بودن کامل طرح ترمیم حقوق ذره‌ای از حق همکاران دانشگاهی پا پس نخواهیم گذاشت.

دکتر رهام شرف دانشگاه زنجان

۱- مسئولین دانشگاه ها در خصوص اختصاص زمین مازاد به کارمندان و اعضای هیات علمی جزیره ای و سلیقه ای عمل می کنند و وزارت علوم هم نظارت نمی کند. به عنوان نمونه در دانشگاه زنجان با وجود شرایط مناسب و زمین مازاد، پیگیری کانون صنفی اساتید و کارمندان، با مانع تراشی رئیس دانشگاه و مسئولین راه و شهرسازی و استانداری کلا واگذاری زمین به محاق رفت (قابل استعلام از مهندس مهدی اکبرپور مدیر نظارت بر طرح های عمرانی وزارت علوم). خواهشمندم مساله ی واگذاری زمین مازاد دانشگاه ها به کارمندان و اساتید از حالت اختیاری خارج شده و به عنوان تکلیف برای رؤسای دانشگاه ها مشخص شود تا از عملکرد سلیقه‌ای در این خصوص پرهیز کنند.

۲- با توجه به جایگاه ویژه ی علوم انسانی و نقش این علوم در حل چالش های اعتقادی، اخلاقی، روانشناختی و جامعه شناختی جامعه، خواهشمندم به اساتید این رشته ها و فعالیت های پژوهشی آن ها نیز توجه شود.

۳- متأسفانه مسئولین وزارت علوم با فعالان صنفی اساتید کوچکترین تعاملی ندارند و حتی پاسخ تماس نمی دهند.

۴- به درخواست بانوان بازنشسته، لطفاً در خصوص حذف حق عائله مندی بانوان عضو هیات علمی پس از بازنشستگی، تجدیدنظر شود.

دکتر یزدانی دانشگاه صنعتی سهند

همکاران گرامی، اساتید محترم سلام در ابتدا تشکر می‌کنم از زحمات تمام همکاران در کانون و در ادامه عرض می‌کنم که ما محدودیتهای آقای دکتر عارف به خاطر پست حساس را هم درک می‌کنیم. چه کنیم که عملکردهای افراد و ارگانها را بسیار متفاوت از حرفهای روحیه بخش ایشان می‌بینیم. گردهمایی بی‌سابقه امروز ما، تنها یک هدف دارد: دفاع یکپارچه از حیثیت، منزلت و معیشت به یغما رفته‌ی دانشگاه. بگذارید کارنامه این سال‌ها را خیلی شفاف با دو عدد خلاصه کنم: من روزی که کارم را به عنوان استادیار شروع کردم حقوقم معادل ۱۴۳۵ دلار بود؛ اما امروز بعد از ۱۸ سال تلاش و ارتقا استادی پایه ۲۹، این رقم به ۵۶۵ دلار سقوط کرده است! یعنی کمتر از ۵/۲ برابر استادیار پایه یک آن زمان.

درد بزرگ اینجاست: روزگاری رسیدن به جایگاه هیئت علمی، سقف آرزوی بسیاری از کارمندان و مدیران حتی در صنعت نفت بود و قرار بود ما الگوی جامعه برای رسیدن به رفاه از مسیر علم باشیم؛ اما با این سیاست‌ها، امروز کار به جایی رسیده که همان گروه‌ها جایگاه استاد دانشگاه را تحقیر می‌کنند و ما عملاً تبدیل به «درس عبرت» جامعه برای عاقبت علم‌اندوزی شده‌ایم! وقتی عاقبت دو دهه تلاش یک استاد تمام این است، استادیار جوان ما با حقوق بدون ترمیم ۳۰ و ترمیم شده ۶۰ میلیون تومانی در این اقتصاد بی‌رحم چه انگیزه‌ای برای ماندن دارد؟ نتیجه‌ی این

تحقیق سیستماتیک، پدیده‌ای تلخ‌تر از فرار فیزیکی مغزهاست: «مهاجرت روانی». اساتید ما پیش از ترک کشور، در آزمایشگاه‌ها و راهروهای همین دانشگاه‌ها از درون کوچ کرده‌اند.

اما همکاران عزیز، بیایید با خودمان هم روراست باشیم. ما هم بی‌تقصیر نیستیم؛ اگر همان زمانی که برای اولین بار بدعتِ افزایش «پلکانی» گذاشته شد، یا همان روزی که افزایش ۳۰ درصدی قانونی توسط آقای میرکاظمی به راحتی هوا شد، سکوت نمی‌کردیم و واکنشی یکپارچه نشان می‌دادیم، امروز در این نقطه نایستاده بودیم. امروز کاسه صبر آکادمی لبریز شده است. تصمیم‌گیران باید بفهمند که دیگر نمی‌توانند با روان اعضای هیئت علمی و خانواده‌هایشان بازی کنند. ما انتظار داریم در بیانیه پایانی این همایش، تکلیف این تصمیمات غیرکارشناسی ستیزگرانه با دانشگاه روشن شود. لذا خواسته‌ی مشخص ما این است که بیانیه نهایی، با اتکا به این چهار محور، حجت را تمام کند:

نخست؛ مطالبه عذرخواهی رسمی از سوی مسببین این تصمیمات نسنجیده که شأن دانشگاه را مخدوش کردند.

دوم؛ مختمه شدن همیشگی پرونده‌ی این بخشنامه‌ها و روندهای فرسایشی سال جاری.

سوم؛ توقف قطعی بدعتِ افزایش‌های پلکانی و پایان دادن به عدم تناسب حقوق‌ها با تورم و احیای توانایی خرید گذشته

و در نهایت؛ تعیین تکلیف صریح برای شروع سال تحصیلی جدید؛ با این شرط که بر بیانیه محکم قبلی پافشاری کنیم و تا زمان تحقق سه بند اول، تعلیق فعالیت‌ها صورت گیرد.

در انتها سخنی با آقای دکتر پزشکیان، فرماندهان میدان را با نفوذ ترور کردند مواظب باشید که در اطراف شما با توصیه‌ها و اندرزهای ناشایست در حال ترور نرم فرماندهان علمی به صورت جمعی هستند. ما برای بازپس‌گیری شأن علم ایستاده‌ایم و اشتباه سکوت در گذشته را تکرار نخواهیم کرد. ارادتمند تک‌تک شما بزرگواران

دکتر فریده دوستان بازنشسته وزارت بهداشت

" ما بازنشستگان هیأت علمی خواستار افزایش حقوق خود، طبق مصوبه شورای حقوق و دستمزد و صدور احکام بازنشستگی براساس قانون متناسب سازی، شامل تسری ۹۰ درصد حقوق شاغل هم‌تراز به بازنشسته هستیم" لازم به ذکر است که در سال ۹۹ دو افزایش حقوق در فوق العاده‌های جذب و ویژه شاغلین هیأت علمی صورت گرفت، براساس قانون متناسب سازی، می‌بایست در همان زمان بطور خودکار ۹۰ درصد ان به بازنشستگان هیأت علمی تعلق می‌گرفت که انجام نشد. لذا با پیگیری فراوان و جان‌فروشی چند ساله، نهایتاً این افزایش از سال ۱۴۰۳ تا ۱۴۰۵ طی سه سال بصورتی قسطی، بانبسبت های ۴۰ درصد، ۳۰ درصد و ۳۰ درصد به بازنشستگان تعلق گرفت. تاخیر طولانی رخ داده، در صدور احکام و روش اجرا طی سه سال، خسارت روانی، معیشت زیادی برای ما ایجاد کرد. ما بازنشسته های هیأت علمی، برای افزایش حقوق اخیر شاغلین هیأت علمی فعالیت های زیادی کردیم و انتظار داریم که شاغلین نیز این بار ما بازنشستگان را همراهی نمایند و و برای لایحه اصلاحی بودجه ۱۴۰۵ و هر اقدام دیگر برای تخصیص اعتبار در مورد بازنشستگان هم اقدام بفرمایند.

دکتر غلامحسن حدادی وزارت بهداشت

عرض سلام و ادب و احترام خدمت حضار محترم و تشکر از برگزار کننده گان گردهمایی. به نمایندگی از کانون های بازنشستگان هیأت علمی، تعدادی از اعضای هیأت علمی بازنشسته در این نشست شرکت نموده و حضور داریم تا حمایت خود را از خواسته های به حق همکاران محترم شاغل اعلام نماییم. لازمه رعایت شأن و منزلت دانشگاهیان، احترام به عضو هیأت علمی بازنشسته است. وضعیت فعلی بازنشسته آینه ای است که استاد شاغل، آینده خود را در آن می بیند. بازنشستگان هیأت علمی از مسئولین محترم انتظار دارند با توجه به وجود قانون همسان سازی، که مقرر نموده است: "حکم حقوقی هر عضو هیأت علمی بازنشسته معادل نود درصد هیأت علمی شاغل هم‌تراز می باشد". افزایش حقوق اخیر همکاران شاغل؛ شامل بازنشستگان هیأت علمی نیز گردد. در صورتیکه تلاش شود که احکام صادر شده جهت جبران قسمتی از افزایش تورم

تثبیت شده و با قول جناب آقای دکتر عارف در اصلاحیه بودجه سال جاری از ردیف عملکردی به ردیف حقوق منتقل شود، مشکل بازنشستگان نیز برطرف شده و می توانند طبق قانون از این افزایش بهره مند گردند.

دکتر حمیدرضا زنگنه دانشگاه کاشان

ضمن سپاس از زحمات برخی از اعضای محترم دولت بالاخص آقایان دکتر عارف، دکتر سیمایی صراف و دکتر ظفرقندی و با توجه به قول مساعد معاون محترم اول رئیس جمهور شایسته است که به مطالب ذیل نیز توجه گردد:

۱- اقدام عملی و یکپارچه برای تعطیلی کلیه فعالیتهای آموزشی و پژوهشی و اجرایی استادان دانشگاههای کشور در صورت عدم اجرا و تثبیت احکام افزایش ۷۵٪ حقوق استادان، مصوب ۱۸ اسفند ۱۴۰۴ شورای عالی حقوق و دستمزد کشور در دستور کار قرار گیرد.

۲- چون سالهاست که در دانشگاهها قانون ۱۵٪ جهش علمی استادان که نشان دهنده عملکرد هیأت علمی است با جدیت اجرا می شود و با توجه به اصرار سازمان برنامه و بودجه کشور بر ضرورت اجرای قاعده و قانون عملکرد سازمانی، شایسته است که این قانون برای همه دستگاهها و وزارتخانههایی که از بودجه دولتی ارتزاق می کنند به طور جدی و با قاطعیت و بدون ممانعت و بدون اغماض اجرا شود که از جمله این دستگاهها، سازمان صداوسیما و سازمان تبلیغات اسلامی و قس علی هذا می باشد.

۳- حمایت از استقلال دانشگاهها که این کار می تواند با الغای قانون مصوب دولت مرحوم رئیسی انجام شود که آن مصوبه رؤسای دانشگاهها را ملزم می کند که برای انتصابات ۵۲ پست مدیریتی داخل دانشگاه بایست از نهادهای اطلاعاتی و امنیتی کشور برای کاندیدای پست منظور اعلام گردد که در غیر این صورت رؤسای دانشگاه حق انتصاب مورد نظرشان را ندارند!

۴- ضمن اذعان به نقش بی بدیل استادان در پیشرفت های کشور بایست به این نکته توجه کرد که موتور اصلی تولید مقاله و پژوهش در دانشگاهها دانشجویان کشور هستند لذا ایجاد فضای شاد و پرنشاط در دانشگاهها برای جلوگیری از افسردگی و خمودی در دانشجویان مورد توجه ویژه قرار گیرد و یکی از راههای آن برگزاری کلاسهای حضوری بالاخص در مقطع کارشناسی است.

۵- پیگیری و رسیدگی وضعیت استخدامی ۸۵ استاد و حدود ۴۰۰ دانشجوی اخراجی که در وزارت عتف دولت مرحوم رئیسی اخراج شده اند و تلاش برای بازگرداندن اشخاص بی گناه به جامعه دانشگاهی که در راستای سیاست ایجاد محیط امن و بانشاط در دانشگاههاست.

۶- احتراز جدی از برخورد های سلبی و فیزیکی با دانشجویان بالاخص در مقوله حجاب.

۷- ایجاد یک انجمن مشترک بین استادان وزارت عتف و استادان غیربالینی وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی برای پیگیری مطالبات صنفی که دغدغه مشترک هر دو گروه از استادان کشورست.

۸- با توجه به وضعیت نابسامان اقتصادی و معیشتی همه اقشار کم درآمد کشور، شایسته است که به وضعیت معیشتی کارمندان دانشگاهها نیز توجه ویژه گردد و از مقایسه مشاغل مختلف و بیان میزان اثرگذاری آنها در محافل رسمی اجتناب گردد تا سبب انشقاق در دانشگاهها نشود. چون هر شغل جایگاه و اهمیت خودش را دارد و مشاغل متفاوت نمی توانند که ادعای برتری بر یکدیگر داشته باشند.

دکتر محکی کانون استادان علوم پایه سلامت

بنده تشکر میکنم از زحمات خستگی ناپذیر و بی چشمداشت بزرگواران شورای مرکزی که شاهد بوده ام از جیب خود برای این همایش هزینه کرده اند و از اتحاد و انسجام دو کانون بسیار خرسندم و در پنل عصر در خدمت عزیزان هستم.

مجید رشیدی دانشگاه سیستان و بلوچستان

- ۱- تاکید بر توجه به دانشگاه کم برخوردار و مناطق محروم در توسعه کشور
- ۲- تاکید بر هماهنگی در امور صنفی با کانون صنفیهای دیگر از جمله وزارت علوم پزشکی و بهداشت
- ۳- تاکید بر حقوق بین دانشگاه های مناطق محروم
- ۴- تذکر در خصوص نحوه ی پرداخت حقوق و کارشکنی رئیس س ب ب در کسر بازنشستگی از بخشی از حقوق
- ۵- با توجه به عدم زیرساخت مناسب دانشگاه ها از یک سو و عدم امکانات مناسب جهت برگزاری مجازی کلاسهای دانشگاه ها، تاکید بر حضوری شدن دانشگاه ها، بخصوص در امتحانات پایان ترم شود.

محمد جواد عابدینی دانشگاه شیراز

۱. آیا پرداختن به امور حقوقی و رفاهی اعضای هیات علمی از جنس سرمایه گذاری در امر آموزش است یا هزینه؟
 ۲. آیا مواجهه ریاست جمهوری و سایر ارکان دولت با مقوله سرمایه گذاری در امر آموزش مناسب است یا خیر؟
 ۳. به جز ترمیم حقوق اعضای هیات علمی، در چه عرصه هائی امکان کمک به این افراد وجود دارد؟
۱. پرداختن به امور حقوقی و رفاهی اعضای هیئت علمی: سرمایه گذاری یا هزینه؟
- پرداختن به حقوق و رفاه اعضای هیئت علمی، سرمایه گذاری است، نه هزینه. این تمایز صرفاً یک بحث نظری نیست، بلکه مبنای سیاست گذاری در حوزه آموزش عالی را تعیین می کند.
- در ادبیات اقتصاد آموزش، دو رویکرد متضاد وجود دارد: رویکردی که آموزش را «مصرف» می بیند و آن را بخشی از «هزینه های سربار» توسعه قلمداد می کند، و رویکردی که آموزش را «سرمایه گذاری در تربیت سرمایه انسانی» می داند و بازده اقتصادی آن را قابل اندازه گیری می شمارد. شواهد بین المللی نشان می دهد که وقتی هزینه های آموزشی به عنوان سرمایه گذاری ثبت شود، نه مصرف، تولید ناخالص داخلی اسمی به طور میانگین حدود ۲٫۶ درصد افزایش می یابد و معیارهای درآمدی آن را تا ۲۲ درصد بالا می برد.
- در مورد ایران، موضوع سرمایه گذاری ابعاد عملی تری به شرح ذیل دارد:
- پیوند مستقیم با اقتصاد دانش بنیان: سخنگوی کمیسیون آموزش مجلس تصریح کرده است که اگر وضعیت حقوق و رفاه اعضای هیات علمی مورد توجه قرار نگیرد، «اقتصاد دانش بنیان کشور نیز آسیب خواهد دید، چرا که اساس پیشرفت در این حوزه به تولید علم و انگیزه اساتید وابسته است».
 - هزینه جایگزینی در مقابل هزینه نگهداشت: هزینه جایگزینی یک استاد با ۲۰ سال سابقه، چندین برابر حقوق یک سال اوست. به بیان دیگر، آنچه به عنوان «هزینه حقوق» پرداخت می شود، در واقع سرمایه گذاری برای جلوگیری از هزینه های بسیار سنگین تر جایگزینی است.
 - زنجیره اثرگذاری: تقویت رفاه و امنیت شغلی اساتید، به همان اندازه تولید علم، فناوری و نوآوری در کشور را رشد می دهد. این یک رابطه علت و معلولی روشن است، نه یک ادعای ارزشی.
- بنابراین، تلقی حقوق و رفاه اعضای هیئت علمی به عنوان «هزینه» یک خطای تحلیلی است که پیامدهای سیاستی زیان باری به همراه خواهد داشت.

۲. مواجهه ریاست جمهوری و سایر ارکان دولت با مقوله سرمایه گذاری در آموزش
- ارزیابی مواجهه دولت در شش ماه گذشته را می توان در سه سطح تحلیل کرد:
- الف) سطح اجرایی: ناکارآمدی و مانع تراشی
- مصوبه افزایش متوسط ۶۰ درصدی حقوق اعضای هیئت علمی، پس از طی دو سال مراحل کارشناسی و قانونی و صدور احکام جدید برای حدود ۵۰ هزار استاد، همچنان پس از شش ماه به طور کامل اجرا نشده است. در ابتدا مسئله اصلی، امتناع سازمان برنامه و بودجه از تخصیص اعتبار عنوان می شد و کانون صنفی استادان، این سازمان و رئیس آن را به «مانع تراشی های سلیقه ای و خارج از عرف» متهم کرده است. حتی اکنون

که پرداخت‌ها به صورت ناقص انجام می‌شود، زمزمه‌هایی درباره احتمال بازگشت احکام حقوقی به وضعیت سال گذشته مطرح است که نگرانی جامعه دانشگاهی را تشدید کرده است. امید می‌رود گفتار و کردار متولیان امر در مقیاسات مختلف بر هم منطبق بوده و بیش از این موجبات دل‌نگرانی اқشار دانشگاهی را بوجود نیاورند.

(ب) سطح ساختاری: تعارض درون‌دولتی

اختلاف میان دولت و سازمان برنامه و بودجه بر سر اجرای مصوبه، پرداخت کامل حقوق را با تاخیر و ابهام روبه‌رو کرده است. این تعارض نشان می‌دهد که مسئله صرفاً کمبود منابع نیست، بلکه نبود اراده سیاسی منسجم و اولویت‌بندی روشن در سطح عالی دولت نیز عامل مهمی است.

(ج) سطح گفتمانی: فاصله میان گفتار و عمل

معاون اول رئیس‌جمهور خود از وضعیت بودجه دانشگاه‌ها و معیشت اعضای هیئت علمی انتقاد کرده و هشدار داده است که ادامه این روند به مهاجرت بیشتر استادان منجر خواهد شد. همچنین تأکید کرده که «دولت چهاردهم حل مشکل مسکن و تأمین زندگی در شأن جامعه دانشگاهی را در اولویت اقدامات خود قرار داده است». با این حال، آنچه در عمل اتفاق افتاده—پرداخت‌های قطره‌چکانی، تأخیر تا دوازدهم یا سیزدهم ماه بعد، و بلا تکلیفی احکام—با این گفتار فاصله قابل توجهی دارد. تماس تلفنی ریاست محترم جمهوری با مدیریت سازمان برنامه و بودجه در نشست هم‌اندیشی با روسای دانشگاه‌ها از دوراندیشی لازم برخوردار نبود. آیا ریاست محترم جمهوری به این اندیشه نکرده است که اگر در پایان ماه، مجدداً پرداخت حقوق با اعضای هیات عملی با تاخیر مواجه گردید، تاخیر مزبور چه خدشه جبران‌ناپذیری به اعتبار و حیثیت جایگاه ریاست جمهوری وارد خواهد نمود؟ آیا متولیان امر در مقیاسات مختلف به این مهم اندیشه نکرده‌اند که مجدداً انتخاباتی در مقیاس ریاست جمهوری در پی خواهد بود و نیاز به حضور حداکثری در پای صندوق‌های رای در میان است؟ به‌طور کلی، مواجهه دولت را می‌توان «ناهماهنگ و ناکافی» توصیف کرد: نه به‌طور کامل نادیده‌انگارانه، اما نه در سطحی که با جایگاه راهبردی آموزش عالی در توسعه کشور متناسب باشد.

۳. عرصه‌های کمک به اعضای هیئت علمی فراتر از ترمیم حقوق

ترمیم حقوق اگرچه ضروری است، اما کافی نیست. عرصه‌های زیر را می‌توان به‌عنوان مکمل شناسایی کرد:

(الف) مسکن و رفاه پایه

تفاهم‌نامه‌های تأمین اراضی و احداث مسکن برای اعضای هیئت علمی و کارکنان دانشگاه‌ها میان وزارتخانه‌های راه و شهرسازی، علوم و بهداشت منعقد شده است. این اقدام اگر به‌طور کامل و سریع اجرا شود، می‌تواند فشار معیشتی اساتید جوان را به‌طور محسوسی کاهش دهد. تمرکز بر اساتید جوان که بیشترین آسیب را از تورم و هزینه مسکن متحمل می‌شوند، اولویت‌دار است.

(ب) نظام پرداخت مبتنی بر عملکرد و بهره‌وری

ایجاد نظام ارزیابی بهره‌وری واقعی علمی و آموزشی با شاخص‌های کمی و کیفی و پیوند آن با ارتقاء و پاداش‌ها، می‌تواند انگیزه تولید علم را افزایش دهد. این رویکرد به‌جای توزیع مساوی منابع محدود، بر تشویق عملکرد برتر متمرکز است که خوشبختانه هم‌اکنون در نظام آموزش عالی جاری و ساری است. برآستی کدامین یک از موسسات دولتی (به جز وزارت عتف) مبتنی بر عملکرد به کارکنان خود حقوق پرداخت می‌کند. شایسته است میان پرداخت مبتنی بر عملکرد و ماموریت‌گرا نمودن موسسات آموزش عالی تمایز قائل گردید. رویت بروز و ظهور تحصیلات دانشگاهی در حل و فصل مشکلات و معضلات مبتلا به جامعه مستلزم ماموریت‌گرا نمودن دانشگاه‌ها و جهت‌دار کردن پژوهش خواهد بود که دانشگاه‌ها در حال حاضر فاصله معنی‌داری با آن دارند.

(ج) بودجه پژوهشی سرانه و استقلال هزینه‌کرد

افزایش بودجه پژوهشی سرانه اعضای هیات علمی با اختیار هزینه‌کرد مستقل، یکی از مطالبات جدی جامعه دانشگاهی است. در حال حاضر اعتبار پژوهشی حمایتی برای اعضای هیئت علمی جدیدالورود در برخی دانشگاه‌ها تعریف شده است، اما این رویه باید به یک سیاست فراگیر تبدیل شود.

(د) سازوکارهای درآمدی اختصاصی دانشگاه‌ها

تمرکززدایی و فراهم آمدن سازوکارهای لازم برای درآمدهای اختصاصی دانشگاه‌ها و اعطای اختیارات لازم به آن‌ها، از جمله اقداماتی است که در دولت در حال پیگیری است. این رویکرد می‌تواند وابستگی دانشگاه‌ها به بودجه دولتی را کاهش دهد و امکان جبران کسری حقوق را فراهم کند.

ه) اصلاح ساختار پرداخت و رفع بی‌عدالتی

شکاف نجومی در پرداخت‌ها در مقایسه با سایر مراکز دولتی و خصولتی —جایی که بخش عمده اساتید با حقوقی ناچیز دست‌وپنجه نرم می‌کنند— خود عامل مهمی در فرسایش اعتماد و انگیزه است. اصلاح آیین‌نامه‌های همسان سازی پرداخت و رفع این بی‌عدالتی ساختاری، به‌اندازه ترمیم حقوق ضروری است.

و) جلوگیری از مهاجرت نخبگان با مشوق‌های هدفمند

نرخ مهاجرت اساتید ۲۵ درصد اعلام شده و «بحرانی» توصیف می‌شود. حقوق یک استاد تمام وقت ایرانی از حدود ۲۰۰۰ دلار در دهه ۸۰ به ۳۰۰ دلار رسیده است، در حالی که استادان ایرانی با پیشنهاد دانشگاه‌های کشورهای همسایه و حقوقی حدود ۲۵۰۰ دلار جذب می‌شوند. تجربه کشورهایی مانند کره جنوبی نشان می‌دهد که تمدید سنوات خدمت برای اساتید برجسته و تضمین چندساله بودجه پژوهشی می‌تواند در کاهش مهاجرت مؤثر باشد.

ز) محیط کاری و امنیت شغلی

مهاجرت نخبگان دانشگاهی تنها به مسائل مالی محدود نیست؛ مجموعه‌ای از مشکلات معیشتی، اداری و پژوهشی، انگیزه ماندن را کاهش می‌دهد. بهبود محیط کاری، شفافیت در ارتقاء، کاهش بوروکراسی و تقویت خودمختاری دانشگاهی از جمله عرصه‌هایی است که می‌تواند به‌طور جدی به ماندگاری اعضای هیئت علمی کمک کند.

ح) سایر تسهیلات رفاهی

صدور مجوز وارد کردن خودرو به اعضای هیات علمی و روائی پرداخت وام‌های خرید و یا اجاره مسکن به طور معنی داری به ماندگاری اعضای هیات علمی کمک خواهد نمود.

جمع‌بندی

پرداختن به حقوق و رفاه اعضای هیئت علمی، سرمایه‌گذاری راهبردی در زیربنای توسعه کشور است. مواجهه دولت در شش ماه گذشته ناهماهنگ و ناکافی بوده و فاصله میان گفتار و عمل، اعتماد جامعه دانشگاهی را فرسوده کرده است. فراتر از ترمیم حقوق، مجموعه‌ای از اقدامات مکمل —از مسکن و بودجه پژوهشی تا اصلاح ساختار پرداخت و بهبود محیط کاری— می‌تواند به‌طور مؤثر به بهبود وضعیت کمک کند. اما شرط اول، تغییر نگاه از «هزینه» به «سرمایه‌گذاری» در سطح عالی‌ترین ارکان تصمیم‌گیری کشور است.

دکتر مرتضی مرادی پیام نور

ضمن تشکر از زحمات کانون صنفی بخصوص دکتر عارف که پیگیر ترمیم حقوق اعضاء هیئت علمی بودند باید عرض کنم که معمولاً همایش‌هایی که دانشگاهیان گرد هم می‌آیند به منظور طرح مباحث و تبادل علمی و دغدغه‌های کلان و مهم علم و توسعه است؛ این اولین بار است که اساتید دانشگاه در همایشی شرکت می‌کنند که هدف آن علم و توسعه نیست بلکه بحث نیازهای اولیه و معیشت استادان است. این یعنی نه تنها رو به جلو حرکت نکردیم بلکه یک گام به عقب برگشتیم! ضمن تشکر از سخنان دکتر عارف آیا همکاران از این صحبت‌ها قانع شدند؟ آیا بعد از تماس ریاست محترم جمهور با رئیس سازمان برنامه و بودجه مشکل حل شد؟ آقای دکتر پزشکیان قول‌هایی به جامعه دانشگاهی دادند. وقتی یک مصوبه‌ای تمام مراحل قانونی خود را طی کرده و به تصویب رسیده و عقلانیت رسمی پیدا کرده است چرا در مرحله اجرا به مشکل برخورد کرده و ما مجبوریم برای پیگیری آن اینجا جلسه برگزار کنیم؟ بعد از این جلسه چه تصمیمی کانون صنفی خواهد گرفت؟ ما باید در ادامه چکار کنیم؟ آیا تعلیق فعالیتها یا برجا خواهد ماند؟

در این چند ماه وعده وعید زیاد داده شده و بارها گفته شد که موضوع حل شده ولی عملاً اتفاقی نیفتاده است!

اعضاء هیئت علمی از نظر معیشتی به وضعیت تحقیرآمیزی رسیده اند، اینها فقط مشکلات معیشتی نیست در نهایت ریشه اخلاق و اعتماد در جامعه از بین خواهد رفت. مرجعیت دانشگاه لطمه خواهد دید. امیدوارم این آخرین باری باشد که ما برای نیازهای اولیه و معیشتی گرد هم می آییم.

دکتر محبوبه پاینده پیام نور

با سلام و عرض خسته نباشید؛

احتراماً با توجه بیانات جناب آقای دکتر عارف در جلسه نشست کانون اساتید در پنجشنبه ۲۶ شهریور ماه، که بر تامین اعتبار کامل حقوق اعضای هیئت علمی دانشگاه ها و پرداخت طبق احکام صادر شده تاکید نمودند و فرمودند که پرداخت حقوق کامل طبق احکام در شش ماهه اول سال انجام شده است و در شش ماهه دوم سال هم به همین منوال پرداخت خواهد شد؛ به استحضار می رساند در دانشگاه پیام نور در تیر ماه ۱۰ درصد و در مرداد ماه نیز ۳۰ درصد حقوق همکاران پرداخت نشده است (یعنی بر اساس ۲۳ روز کارکرد پرداخت شده است). در شهریور ماه نیز در سامانه مالیاتی ۲۱ روز پرداخت ثبت شده است. این موضوع نه تنها مشکلات معیشتی ۳۲۰۰ عضو هیئت علمی را دامن زده است بلکه مشکلاتی نیز در خصوص بیمه پرداختی به وجود آورده است.

لذا سوال مهم این است که:

اگر دولت اعتبار را تامین کرده است، چرا اعضای هیئت علمی دانشگاه پیام نور باید هر ماه حقوق خود را با تاخیر و آن هم به صورت درصدی دریافت نمایند؟!!

معاونت مالی دانشگاه، پرداخت را مشروط بر تامین مالی می کنند!! قدر مسلم است که این تناقض نیاز به رسیدگی دارد.

اگر حق با دولت و وزارت علوم است و اعتبار کامل تامین شده، چرا اعضای هیئت علمی باید با این وضعیت تورم اقتصادی حقوق درصدی بگیرند؟؟؟ اگر حق با مسئولین دانشگاه پیام نور است و در دریافت اعتبار از طرف دانشگاه کوتاهی صورت نگرفته است، چرا وزارت علوم تامین اعتبار نکرده است؟

با توجه به اینکه اعضای هیئت علمی واقعا برایشان سوال شده است که این تناقض ناشی از چیست؟؟؟ و پیگیری های بسیار متعدد داشتند ولی مسئولان و مدیران دانشگاه در برابر انبوهی از سوالات پاسخگو نبودند و سکوت اختیار نمودند از شما بزرگواران تقاضای رسیدگی جامع و کامل داریم و قدردان زحمات شما هستیم.

در پایان جناب دکتر عارف قول دادند که مشکل پیام نور را پیگیری می کنند، از شما هم خواهش داریم در جایگاه کانون صنفی، صدای اعضای هیئت علمی دانشگاه پیام نور باشید.

۱۲: ناهار و نماز

۱۶-۱۴: میزگرد با عنوان از مرجعیت تا معیشت (دکتر جعفر توفیقی – دکتر حسین عسکریان – دکتر

بابک سیف – دکتر عسل آغاز – دکتر بهزاد محکی – دکتر علی حاتمی)

مجری دکتر دانش کیان:

به نام خداوند بخشنده مهربان. ایران سلام، دانشگاه تهران سلام. سلام به فرزندان فرهیخته میهن در کانون صنفی استادان دانشگاهی ایران عزیز. تئاتر دانشکده مهندسی مکانیک دانشگاه تهران، عصر بخیر.

امیدوارم تا این لحظه از فرایند این همایش خشنود باشید و لحظات بسیار خوبی را سپری کرده باشید. من صبح، این دوستان تیم آقای دکتر عارف توی ذوقم زدند؛ کلاً دیگر شعر را به نظرم کنار بگذارم! منتها چون اینجا دانشگاه تهران هست و تا مقداری مزاج جلسه هم... دو سه دقیقه یک داستان من انتخاب کرده بودم برای شما، می‌خواستم به اشتراک بگذارم که چقدر این استادی و دانش مهم است.

مثلاً در داستان خسرو و شیرین، آنجا فرهاد را می‌خواهند استخدام کنند که آن، در واقع، جوی شیر را مهندسی کند و بیاورد. کلمه «استاد» ۱۰، ۱۵ بار توی این روایت عاشقانه [آمده] و دائم تأکید می‌کند که این کسی که می‌خواهد این کار را بکند باید استاد باشد؛ بعد استادی باشد که شاگرد بوده و استاد دیده. یعنی خیلی پیچیده‌اش می‌کند این کار را که کار را به دست هر کسی [انسپارند]. منتها چون دیگر زمان نداریم، ارجاع می‌دهم شما را به داستان شیرین و فرهاد که این را ملاحظه بفرمایید.

دانشگاه تهران هست و ما با افتخار در خدمت شما هستیم، در نماد آموزش عالی کشور. یکی از استادان دانشگاه در وصف دانشگاه تهران یک شعر بلندی دارند که من چند بیتش را خدمت شما تقدیم می‌کنم، اگر اجازه هست.

بسم الله الرحمن الرحيم
هست کلید در گنج حکیم

سر در تو درب ورود بهشت
نور تویی، ما همه خاکیم و خشت
مرز تو از حد جلالیه تا قله میلاد کشانیده...
[اشاره سخنران به محدوده دانشگاه تهران]

نی، غلطم؛ از ارس پارسی
تا به خلیج ابدالفارسی

مظهر آموزش عالی تویی
رکن ترقی و تعالی تویی

مهر خدا بوده که ای دلستان
دانش و فن را تو شدی پیشران

پادشاه کشور دانستنی
والی اقلیم توانستنی

در طلب معرفت راستین
سوی تو آیند ز اقصای چین

دیدن تو بر همگان آرزو
وصف تو را چون کنم ای خوب‌رو

گوهر علم زکریا تویی
خانه خوارزمی و سینا تویی

در مرز دانش روزآمدی
چاره بحران را کارآمدی

پرچم فرهنگ و تمدن درست
از سر دانشکده‌های تو رست

این همه پردیس تو ای چهارباغ
در تو فروزان شده چون چلچراغ

تیمچه دانش بین‌الملل
بار خدایا که نیابد خلل

ای همه گوهر، همه رشته‌ها
هر چه که بنوشته و ننوشته‌ها

شاد بمانی و نگردي نژند
از اثر دهر نیایی گزند

زنده و جاوید بود راه تو
دست خداوند به همراه تو

کوی تو آرامگه جان ماست
نام تو دانشگاه تهران ماست

عصر بخیر. عذرخواهی می‌کنم. آخه من اشاره کردم یکی از استادان دانشگاه تهران، ولی نمی‌دانستم این اتفاق می‌افتد. یکی از خدمتگزاران دانشگاه تهران، در محضر استادان نمی‌شود عرض ادب کرد. عذرخواهی می‌کنم ازتون.

عصر همگی بخیر مجدداً. اگر اجازه بفرمایید من دعوت کنم از استادان عالی‌قدرمون که تشریف بیاورند به پنل و در خدمتشان باشیم. استاد دکتر جعفر توفیقی عزیز، در خدمتشان باشیم. استاد دکتر دانش‌مهر تشریف دارند؟ ... مجازی هستند. بله. استاد دکتر عسکریان که در خدمتشان هستیم... دکتر سیف تشریف می‌آورند؟ استاد دکتر حاتمی در خدمتشان هستیم، تشریف می‌آورند. بله، بله، خوش آمدید.

دکتر جعفر توفیقی: به نام خدا و با عرض سلام مجدد. در خدمتتان هستیم برای ادامه بحث و گفت‌وگو راجع به مسائل آموزش عالی؛ حالا چه بحث ترمیم حقوق، چه مباحث دیگر.

مجدداً تشکر بکنم از اینکه استقبال شد از این همایش. برای کانون خیلی اهمیت داشت؛ اهمیتی که دوستان دادند برای حضور در این جلسه. ان‌شاءالله که بیشتر ادامه پیدا کند. فقط هم بحث ترمیم حقوق نباشد؛ از این مسئله ان‌شاءالله عبور بکنیم و به مسائل اساسی‌تر آموزش عالی، در واقع، بپردازیم.

از صبح فراموش کردم، البته از رئیس محترم دانشکده مهندسی مکانیک هم تشکر بکنیم که شرایط برگزاری این مراسم را فراهم کردند و همکاران خودم در کانون، در بخش‌های مختلفش، که زحمت کشیدند و از نظر محتوایی و اجرایی این برنامه را تدارک دیدند.

در هر حال فرصت مغتنمی است و فکر می‌کنم که یکی از وظایف اصلی تشکل‌ها، حالا چه صنفی باشند چه هرچی، ایجاد این شبکه ارتباطی هستش و ادامه همین بحث و گفت‌وگوها، دامن زدن به بحث‌ها و گفت‌وگوها، اظهار نظر، تضارب آرا، افکار و اندیشه‌ها.

و این خودش یک ظرفیت دانشی و ظرفیت دانایی در کشور، به نظر من، ایجاد می‌کند که بشود این ظرفیت دانشی را ان‌شاءالله سرازیر کرد به سمت نظام تصمیم‌گیری در کشور، تصمیم‌سازی در کشور؛ که ارتباط بین نظام دانایی و نظام اجرایی برقرار بشود، سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها با کیفیت بهتر در کشور، در واقع، اتخاذ بشود و به ثمر بنشینند و ان‌شاءالله کشور ما بتواند گام‌های بلندتری را به سمت تعالی و توسعه، در هر حال، بردارد.

امیدوارم که واقعاً کانون با همه شاخ و برگ‌هایی که در کشور دارد، در دانشگاه‌های مختلف، بتواند به این وظیفه‌اش بیشتر بپردازد. چالش‌های نظام علمی کشور، چالش‌های آموزش عالی که کم هم نیستند واقعاً، و شرایطی در کشور ما هست که تأثیر می‌گذارد روی نظام علمی کشور، دانشگاه‌ها، روی روحیه دانشجویان و اعضای هیئت علمی.

بحث حکمرانی دانشگاه، حکمرانی نظام علمی کشور، این‌ها همه مسائل بسیار مهمی هستند که کانون می‌تواند به آن‌ها بپردازد. البته قبل از این ماجرای ترمیم حقوق هم که در شش هفت ماه گذشته یک مقدار ذهن همه را به خودش مشغول کرد، واقعاً کانون به این موضوعات می‌پرداخت؛ به کیفیت آموزش می‌پرداخت، به آموزش عالی می‌پرداخت، به استقلال دانشگاه‌ها در واقع می‌پرداخت و با مسئولین وزارت علوم در تماس بود، تبادل نظر می‌کرد، مشورت می‌داد.

ادامه دارد البته، ولی خب یک مقدار کمرنگ شد به خاطر حوادث و مسائل اخیر. ان شاءالله که از این مسئله هم به سلامت عبور می‌کنیم و امیدوارم کشور هم به یک آرامش و ثباتی واقعاً برسد که لازمه فعالیت‌های علمی است، لازمه فعالیت‌های پژوهشی است، لازمه امید به آینده است برای دانشجویان، به‌خصوص؛ به یک ثباتی برسیم که کشور بتواند با آرامش بیشتری به برنامه‌های توسعه خودش، در واقع، بپردازد.

بیش از این من وقت را نمی‌گیرم، چون ترجیح می‌دهیم که بیشتر از نظرات شما استفاده کنیم و همکارانم در میزگرد.

فقط شاید یک نکته شوخی جدی هم داشته باشم. توی جلسه‌ای که آقای دکتر عارف بودند، حالا یکی از دوستان این را می‌گفت. شما هم مشاهده کردید؛ جلسه که صبح آقای دکتر عارف صحبت می‌کرد و سیاست‌هایش را می‌گفت، خوشحال بودیم، کف می‌زدیم، تشویقش می‌کردیم. بعد که ایشان رفت، یکی دو نفر آمدند صحبت کردند و گفتند که این حرف‌ها بیهوده است، اعتماد نمی‌کنیم، این‌ها به جایی نمی‌رسد؛ این تعبیر استفاده شد، باز کف زدیم!

من از آن دوست عزیزمان خواهش کردم، گفتم آزادی بیان کاملاً مورد احترام هستند. همه آمدند صحبت کردند، همه هم گوش کردیم، خیلی هم استفاده کردیم؛ ولی تجربه شخصی‌ام را گفتم: راجع به آقای دکتر عارف یک مقدار با احتیاط صحبت کنیم، چون واقعاً زحمت می‌کشد، واقعاً زحمت می‌کشد.

نه در بحث ترمیم حقوق فقط. شما در این یک سال گذشته، جنگ که واقعاً حالا نمی‌دانم چقدر با عمق مسائل آشنا هستید و اینکه چه آسیب‌هایی به کشور از نظر اقتصادی، از نظر اجتماعی وارد شد، ایشان یک‌تنه دولت را دارد اداره می‌کند و من اصلاً تجربه ندارم که خدای نکرده ایشان حرف بی‌اساسی بزنند.

وقتی می‌گویند بحث ترمیم حقوق درست می‌شود، حتماً درست می‌شود و ایشان پای کار ایستاده. صبح شاهد بودید که گفتند: «من خودم حاضرم مسئولیتش را هم در مقابل نهادهای نظارتی بپذیرم».

تجربه شخصی‌ام هستند. عرض کردم با احترامی که برای همه عزیزان و دیدگاه‌هایشان قائل هستم، ولی ایشان یک شخصیت منحصربه‌فرد، به نظر من، در بین دولتمردان هستند.

سال ۸۳ را شما به خاطر دارید که وقتی ما پیشنهاد سه برابر شدن حقوق را دادیم، یک‌تنه ایشان چه کار کرد؛ علی‌رغم مخالفت‌های مجلس آن موقع و سازمان مدیریت آن موقع، یک‌تنه ایستاد و آن را به سرانجام رساند.

واقعاً الان هم ببینید، یک واقعیتی را بپذیریم؛ بالاخره مسئله گیر فنی دارد، مسئله گیر حقوقی دارد. دقت می‌کنید؟ در این مصوبه گیر حقوقی هست و ایشان هم دارد پیگیری می‌کند چه کار کند این گیر حقوقی را برطرف بکند.

البته بارها و بارها من خودم شاهد بودم که چه در ملاقات‌های شخصی که با ایشان داشتم، چه در جمع‌های مختلف، اولین کسی است که از این مسئله عذرخواهی می‌کند. ده‌ها بار عذرخواهی کرده که: «عذرخواهی می‌کنم از اعضای هیئت علمی که این مصوبه که می‌توانست باعث محبوبیت دولت بشود، مثل سال ۸۳، خب به این وضع اجرایی در واقع افتاد».

ولی در هر حال پرداخت شد، در احکام رفت، پرداخت شد. الان هم هیچ کس دیگر معترض احکام نیست، معترض این مصوبه نیست. مصوبه کاملاً قانونی هستش، هیچ کس به دنبال لغوش نیست.

تنها نکته‌ای که از این ماجرا مانده، که آقای دکتر عسکریان لازم دیدند حتماً توضیح می‌دهند، من صبح دوباره با ایشان و با آقای کیانی چک کردم، بحث کسورات بازنشستگی است.

دیوان محاسبات در واقع هیچ مشکلی با این مصوبه ندارد. تنها نکته‌اش این است که این ردیفی که پول توش هست، به اسم حقوق شما نمی‌توانید پرداخت کنید. پول بدهید، پول از همین ردیف بدهید، کسورات کم نکنید که حقوق تلقی نشود. این آخرین حرفشان است.

بنابراین پرداخت خواهد شد. این جوری که دیگر ما آخرین اخبار را می‌دانیم، پرداخت خواهد شد. حالا البته ممکن است دانشگاه‌ها کسورات هم باز کم نکنند، چون برای آن هم دارند تدابیری می‌اندیشند.

ولی در هر حال آقای دکتر عارف هر بار من را دیده، ما را دیده، عذرخواهی کرده، گفته: «از طرف من عذرخواهی کنید که این مسئله این جوری شد. نباید این جوری می‌شد، ولی بالاخره درست می‌شود».

و ان شاء الله ما می‌توانیم با آرامش بیشتری به مسائل اساسی‌تر خودمان - هرچند این مسئله هم فوق‌العاده اساسی هستش اتفاقاً - بپردازیم.

دکتر عارف اشاره کردند در صحبت‌هایشان؛ ابتدای این دولت، وقتی گزارش‌ها آمد که ما از نظر علمی یک مقدار شیب نزولی پیدا کردیم، از نظر چاپ مقاله و این‌ها، آقای دکتر پزشکیان از آقای دکتر عارف خواسته بود که چاره‌اندیشی کنیم، جلسه تشکیل بدهید و این مسئله را بررسی کنید.

ایشان یک کمیته، کارگروهی درست کردند که اشاره کردند، تحت عنوان «کارگروه ارتقای علم و فناوری»، با ریاست خودشان، حضور وزرا، معاون علمی و فناوری ریاست جمهوری، چند تا از رؤسای دانشگاه‌ها، بنده هم هستم و چند تا از همکاران هیئت علمی.

در بحث مهاجرت نخبگان و افت علمی، اولین موضوعی که ایشان توی دستور گذاشت، ترمیم حقوق بود؛ اولین مسئله‌ای که توی دستور گذاشت. یعنی واقعاً به این مسئله ترمیم حقوق اعتقاد داشت.

تمام مسائلش هم قانونی جلو رفت؛ به تصویب شورای حقوق و دستمزد رساند، به تصویب هیئت‌های امنا رساند، منابع دیده شد، ولی با یک اشتباه حقوقی در عنوان آن منبع که حالا عرض کردم آقای دکتر عسکریان واردتر هستند.

زیاد اطلاع کلام نکنم. فقط خواستم این را به شما بگویم که دکتر عارف یک دانشمند، یک دانشگاهی - نظر شخص من هست - و یک دولتمرد به تمام معناست و بار سنگین دولت را ایشان دارد الان به دوش می‌کشد، با هزاران مسئله و دشواری که شما کم‌وبیش در جریان هستید.

امیدوارم که از این مسئله هم به سلامت عبور کنیم و واقعاً کانون، به همراه شما عزیزان، به حل و فصل و نقد سیاست‌های آموزش عالی بپردازد و پیشنهادهایی برای بهبود بدهیم که جایگاه واقعی ما ان شاء الله آنجا هستش و بتوانیم نقش مهمی در پیشبرد نظام علمی کشور داشته باشیم.

خیلی ممنون و متشکر. ممنون از توجه‌تان.

دکتر سیف: سلام عرض می‌کنم خدمت همه همکاران معظم. صدا می‌آید؟ بله.

خیرمقدم می‌گویم به همه همکاران. توجه بفرمایید که کانون شماست؛ ما فقط نمایندگان شما هستیم. بنابراین حضور شما، همان جوری که استاد من جناب آقای دکتر توفیقی فرمودند، بسیار بسیار مغتنم و در واقع ثروت است.

حالا برنامه ما آن جوری که در نظر گرفتیم این است که هر کدام از اعضای پنل دو دقیقه - امیدوارم بیشتر نشود - صحبت کنند. اینکه تمام شد، بعد دوستان در واقع توی حصار، سؤالاتی یا صحبت‌هایی که دارند یا نقد و نظری دارند در مورد هر موضوعی، می‌فرمایند.

فقط توجه بفرمایید که ما الان یک نفر دیگر هم عضو پتل داریم، جناب آقای دکتر دانش مهر از دانشگاه کردستان، که به صورت مجازی در واقع به ما می‌پیوندند.

حالا من نمی‌دانم، من فکر می‌کنم به دلیل اینکه ما همه‌مان وزارت علوم بودیم، نفر بعدی حتماً باید از وزارت بهداشت باشد. پیشنهاد می‌کنم که جناب آقای دکتر محکی در واقع صحبت را ادامه بدهند. خیلی ممنونم.

دکتر محکی: بسم الله الرحمن الرحيم. عرض سلام و خداقوت خدمت همه عزیزان و تشکر از حضور و مشارکت عزیزان.

عرض شود که من در خصوص این موضوع، با توجه به اتفاقاتی که در وزارت بهداشت رخ داده، نکاتی را خدمت عزیزان عرض بکنم.

فکر می‌کنم آقای دکتر عارف غنی از توصیف هستند که ما در مورد ایشان بخواهیم الان [صحبت کنیم]. فرمایشات استاد کامل بود. من صرفاً شاید بخواهم بگویم که شاید ما در سطح عالی حاکمیت‌مان، در تاریخ‌مان، عرض می‌کنم یا نداشتیم یا حداقل بنده حضور ذهن ندارم، کسی که به معنای واقعی و در این حد آکادمیک باشد؛ از رتبه دو کنکورشان تا رتبه یک المپیادشان، نمره کاملشان، معدل کاملشان در استنفورد، کتاب سالشان، شخصیت علمی... همه ما این را می‌دانیم.

و هر جایی هم بودند واقعاً نشان دادند؛ کارنامه، چه در وزارت علوم دهه ۶۰، چه دانشگاه تهران، چه در وزارت پست و تلگراف، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی وقت. ما بهترین دوران اجرایی کشور هم دورانی بوده که ایشان معاون اول بودند و این چیزی نیستش که دیگر نیاز باشد ما توضیح بدهیم.

در مورد صداقتشان و اخلاق‌مداری‌شان هم به هر شکل همه‌چیز واضح است و واقعاً هم ایشان فرمانده قرارگاه اجرایی کشور در این دو جنگ بودند؛ نشان هم دادند واقعاً افتخار دانشگاهیان بوده و هستند.

فرمایشات امروز صبحشان هم که کسی، خدای نکرده، نمی‌تواند انگ غیرصادقانه بودن به این‌ها بزند.

اما من اجازه بفرمایید بر اساس اطلاعاتی که دارم تکمیل بکنم و نکاتی را عرض بکنم. خب ایشان با نجابت همیشگی خودشان، به هر شکل، می‌خواستند همه دولت را تطهیر بکنند؛ قابل احترام. ولی واقعیت این است که نه، درون دولت تعارضاتی هست. صادقانه بگوییم، هست.

بزرگوارانی در سطح دولت معتقد بودند که آقای دکتر عارف مثل سال ۸۳ «بمب گذاشته زیر دولت». این واژه را به کار بردند. [گفتند] که نه، آقای دکتر عارف خیلی ناشیانه [عمل کرده است]. ما جوابشان هم دادیم در سطح عالی دولت. حالا دیگر اسم نیاوریم.

گفتم: آقای دکتر عارف، رؤسای دانشگاه‌ها، چهره‌های مرجع علمی، وزرا و مدیران کنونی و سابق و اسبق؛ این واژه که شما به کار می‌برید، «ناشی‌گری کردند»، شما بلدید و این بزرگواران ناشی هستند؟

و من پیام از رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس دارم، اینجا هم هست، که ایشان فرمودند در واقع این اعتباری که دیده شد صرفاً برای بحث ترمیم حقوق و به خواست رئیس‌جمهور [بود] و رئیس سازمان برنامه و بودجه به غلط، خلاف تکلیفی که در بند ۴ مصوبه به صراحت آمده بود که سازمان برنامه و بودجه مکلف [به] تأمین اعتبار بکند، چپکی تأمین اعتبار [کرد].

یعنی برای این موضوع دیده، ولی به شکل عملکردی دیده. پس این این‌جوری نبوده که ما بعد از اینکه مصوب شده باشد، ناخودآگاه و ناخواسته مواجه شده باشیم با مشکل فنی در خصوص عنوان ردیف اعتباری. عنوان ردیف اعتباری یک چالش خودساخته درون دولت بوده؛ به خواست دولت این‌جوری نوشته شده و متأسفانه برخی افراد درون دولت همچنان هم این قضیه را ادامه می‌دهند.

و اینکه اگر همکاری، با احترام کامل به استاد دکتر عارف، می‌فرمایند که ما - نه اینکه به ایشان خدای نکرده بدبین باشیم - هنوز بدبینیم و خیلی نمی‌توانیم امیدی روی این حرف‌ها داشته باشیم، به خاطر این چالش‌هایی است که درون دولت بارها و بارها [وجود داشته]؛ حرف‌ها عوض شده، تعهداتی که سه‌جانبه، پنج‌جانبه، هفت‌جانبه [بوده]، تعهداتی که فلان بزرگوار متعهد می‌شود انجام بدهد، بعد می‌زند زیرش.

یک بار به ما می‌گویند که در خردادماه عیب ندارد، ما از دو ردیف می‌دهیم به دانشگاه‌ها، دانشگاه یک کاسه بکند و پرداخت بکند، هیچ مشکلی هم ندارد. از آن طرف می‌بینیم خودشان با دیوان محاسبات صحبت می‌کنند که دیوان محاسبات آن نامه را بدهد که مانع این قضیه بشود.

یا ماه اخیر، من می‌خواهم این نکته را عرض بکنم؛ این را از بزرگواران وزارت بهداشت، وزارت علوم خواهش می‌کنم، حوزه اداری مالی، حالا استاد عسکریان هم راهنمایی می‌فرمایند.

ما در وزارت بهداشت هم گفتیم که به هیچ عنوان دانشگاه‌ها نباید بارگذاری بکنند. اما بعد از اینکه مدیرکل منابع انسانی با بنده تماس گرفت و گفت که ما این چالش را به این شکل حل کردیم، از دو جهت؛ که با صندوق، از طریق آقای دکتر نجفی‌خواه، هم آقای دکتر عسکریان هماهنگ کرده بودند با صندوق بازنشستگی که از بخش اول کسورات کل کسر بشود.

می‌دانیم در سامانه سینا طبق روتین آن چیزی که بارگذاری می‌شود، کسورات هم باید متناسب با آن باشد؛ ولی یک تغییراتی داده بودند، باکس ایجاد کرده بودند، هر کاری کرده بودند. ما در تمام دانشگاه‌های وزارت بهداشت، چند ده دانشگاه، به این شکل پرداخت شد؛ از بخش اول، کسورات کل کسر شد.

در مورد بخش دوم هم به ما قولی که دادند، گفتند ما آن اعتباری که از ردیف ۵۵۰ هزار و ۲۳، یعنی ردیف پرداخت خرید خدمت مبتنی بر عملکرد، [است]، آن ردیف را می‌آوریم توی وزارتخانه. ما به آن اندازه همیشه خرید خدمت داریم دیگر؛ خرید خدمت‌مان را با آن انجام می‌دهیم. به جای اینکه قبلاً از اعتبارات خودمان استفاده می‌کردیم، آن اعتباراتی که قبلاً قرار بود با آن خرید خدمت انجام بدهیم، آن را در اختیار دانشگاه‌ها قرار می‌دهیم.

یعنی یک جابه‌جایی؛ جابه‌جایی که مدیریت این اعتبار در ستاد وزارت [باشد] و چون از محل ردیف‌های متمرکز - حالا در وزارت بهداشت ما بحث هدفمندی را داریم، بحث دخانیات، یک‌سری موارد دیگر - از آن ردیف ما در اختیار دانشگاه قرار می‌دهیم که دیگر دیوان محاسبات به هیچ عنوان نمی‌تواند [ایراد بگیرد]. اصلاً این مشکل دیگر با دیوان محاسبات ندارند.

پس این چالش به این شکل قابل حل هست.

و نکات دیگر؛ چون عزیزیان صبح هم فرمودند و قبل از اینکه جلسه شروع بشود خواهش کردند، دوستان بزرگوار بازنشسته، که بحث یک‌سری [موضوعات]... ما یک تفسیری از برنامه هفتم داشتیم که بحث پرداخت، چون یک جایش آمده که یک‌جورهایی آن اختیارات ماده یک را به شکل تلویحی توش آورده؛ ماده یک احکام دائمی برنامه توسعه.

که بشود از آن این تفسیر را داشت که ما پرداخت پاداش بازنشستگی را هم، همان‌طوری که حقوق خودمان فراتر از سقف الان می‌توانیم بدهیم، به استناد آن، پاداش بازنشستگی هم فراتر از سقف بتوانیم بدهیم.

یک تفسیر می‌تواند این باشد که به هر حال این بزرگواران هم آینده و فردای ما هستند دیگر و این را بتوانیم پاسخی برای این عزیزان داشته باشیم و طبیعتاً حالا آن بحث تسری ترمیم به این عزیزان هم، طبیعتاً بعد از حل این مشکلات، قابل انجام [است].

من صرفاً عرض آخرم این است که من سال ۸۴، بیست و یک سال پیش، در همین روزها، اواخر شهریور، هیئت علمی شدم. آن موقع الگو بودم از نظر معیشت. امروز آینه عبرتم!

آن موقع من از تمام بستگانم که مدیر بودند، بیست و چند سال سابقه داشتند، از پدر خودم که اواخر خدمتشان بود، چند برابر [دریافتی بیشتری] داشتم. یعنی کسی که نزدیک‌ترین فرد به من بود، من مربی پایه یک، یک‌ونیم برابر نزدیک‌ترین فرد خودم دریافتی داشتم.

الان چون وزارت بهداشت بعضی رشته‌ها هنوز مربی [دارند]، پرستاری هنوز اشباع نشده، مربی‌های ما قبل از این ترمیم ۲۰ میلیون تومان می‌گرفتند؛ زیر ۲۰ میلیون تومان، ۱۸ و نیم میلیون تومان.

می‌خواهم [بگویم] این اتفاقی که در این سال‌ها رخ داد... همان کسانی که الان یکی از استدلال‌هایشان این است که چرا - نمی‌دانم اسم یک شهری را هم حالا نیاوریم - اسم یک شهری در استان آذربایجان غربی می‌آورند، بزرگواران در دولت [می‌گویند] چرا پیام نور فلان شهر باید اندازه شریف دریافتی داشته باشد؟

این صحبت را دارم می‌کنم: چرا دانشگاه‌های فلان... چرا دانشگاه کوچک باید مثل دانشگاه بزرگ باشد؟ دانشگاه کوچک، آن فرد [که آنجا مشغول است]، سیاست‌های شما بوده؛ شما باید پاسخ‌گو باشید، نه اینکه این را مستمسک قرار بدهید برای اینکه اصل قضیه را زیر سؤال [ببرید].
من در خدمتتان هستم. ممنون.

دکتر سیف: ممنون از شما. من از دوستان خواهش می‌کنم، چون اجازه بدهید سؤالات... ما زمان داریم.

افرادی هستید که ما افتخار می‌کنیم که همکار شما هستیم. فعالیت‌هایی که شما انجام دادید در کنار کانون واقعاً اثربخش بوده، آقای دکتر، واقعاً اثربخش.

خواهش عرض کنم که در پاسخ به استادبانو که الان فرمودند، عرض کنم که ما حدود نیم ساعت وقت داریم که دوستان پنبلی صحبت کنند. از ساعت سه به بعد در اختیار دوستان هست؛ دوستان حضار و فضای مجازی که نکاتشان را مطرح کنند.

فقط خواهش می‌کنم، اول با خودم، که خیلی کوتاه صحبت کنیم که به همه برسیم.

من با توجه به اینکه جناب آقای دکتر دانش‌مهر از دانشگاه کردستان الان حضور دارند، البته به صورت مجازی، از جناب آقای دکتر صفوی تقاضا می‌کنم که میکروفون را باز بکنند تا ما از بیانات ایشان به فیض برسیم.

فقط با ذکر این نکته که جناب آقای دکتر دانش‌مهر، لطفاً بین سه تا چهار دقیقه صحبت [بفرمایید].

دکتر دانش‌مهر - دانشگاه کردستان: خیلی متشکر، خیلی ممنون آقای دکتر. صدای من هست؟

دکتر سیف: بله، صدا خیلی واضح هست.

دکتر دانش‌مهر: خیلی ممنون، خیلی ممنون. بنده هم عرض سلام و ادب دارم خدمت همکاران حاضر در سالن، همکارانی که به صورت برخط شرکت کردند، و تشکر ویژه از کانون صنفی استادان دانشگاهی ایران به دلیل برگزاری این جلسه در سالروز آغاز دانشگاه‌ها؛ که ان‌شاءالله امیدواریم فقط هفته آینده را مجازی بکنند و بیش از این آموزش، علم و دانش به محاق نرود.

به نظرم یکی از دلایلی که امروز ما نشستیم و داریم راجع به یکی از بنیادی‌ترین اصول میدان دانشگاهی، که حقوق، معیشت و کرامت همکاران دانشگاهی است [صحبت می‌کنیم]، همین تعطیلی‌های پی‌درپی از دوران کرونا به این‌ور بود که قضاوت جامعه بیرون از دانشگاه و بعضاً مسئولان دانشگاه‌نرفته را بر ما سنگین‌تر کرده.

و این استدلال دم‌دستی که «شما که سر کلاس نمی‌روید، دانشجویی نیست، بنابراین این مقدار حق و حقوق که دریافت می‌کنید زیادی هم هست»؛ این را دهان‌به‌دهان تبدیل به یک گفتمانی کردند که در لایه‌های بالایی حکمرانی هم متأسفانه، شاید دوستان نشود به صورت واضح بگویند، اما ما می‌دانیم که این وجود دارد.

من حقیقتاً می‌خواستم مفصل صحبت بکنم، ولی خیلی به تجربه شخصی و همکارانی که در دوروبرم هستند اکتفا می‌کنم، چون می‌دانم که وقت تنگ است و دوستانی که به صورت حضوری و مجازی هستند سؤالاتی دارند که به نوبت به آن‌ها هم برسد.

وگرنه من در سه حوزه مرجعیت، نظام ارجاع، میدان دانشگاه و اینکه این قدرت و دانش چه بلایی را سر ما دانشگاهیان و مملکت آورده، مباحثی را آماده کرده بودم. چون رشته من هم جامعه‌شناسی است. فرصت نیست؛ فقط چهار پنج تا نکته را اشاره می‌کنم. امیدوارم که بتوانم در فرصت مقتضی هم به سؤالات همکاران در این حوزه پاسخ بدهم.

اول از اینجا شروع می‌کنم. من خودم، تجربه شخصی‌ام، و همه دوستانی که دهه ۸۰ دانشجوی بودند، ما با کار دانشجویی در دانشگاه تهران می‌توانستیم بهترین کفش، کیف، ساعت [بخریم]، مسافرت و بعضاً فرصت مطالعاتی برویم؛ ولی الان با پوزیشن دانشیار پایه ۲۰، که دانشجوی ارشد و دکترا داریم، از این‌ها محروم شدیم و این فاجعه است.

یعنی دانشجویی که سر کلاس من نشسته، دیگر من برایش الگو نیستم. بنابراین بحث مرجعیت علمی و اجتماعی من خودبه‌خود کم شده.

نکته دوم این است که ما بعضاً در هیئت‌های جذب هستیم و می‌بینیم کسانی که فارغ‌التحصیل دکتری هستند، متقاضی جذب هستند، دانشجویان درجه دو، سه و کسانی هستند که در بیرون و در شرکت‌های خصوصی و بعضاً راه مهاجرت برایشان بسته هست و می‌آیند داخل دانشگاه‌ها جذب می‌شوند.

و تازه دانشگاه‌ها، معاونین پژوهشی - شما مدیر پژوهشی بودید - به این فکر می‌افتیم که بعد از سه سال نامه رکود دست این افراد بدهیم.

یعنی من می‌خواهم بگویم که بحث معیشت فقط بحث مجرد و انتزاعی نیست؛ فقط پیامدهایش را ببینیم. و این نسل‌های بازتولید می‌شود، بازتولید می‌شود. فردا فرزندان ما سر کلاس منی که بی‌انگیزه‌ام، منی که از سر ناچاری آمده‌ام، اولویت اولم جذب در دانشگاه نبوده، می‌نشینند و این مسئله توسعه‌نیافتگی [ادامه پیدا می‌کند].

دکتر عارف فرمودند، گفتند که مهم‌ترین سرمایه مملکت سرمایه انسانی است، ولی به نظر من این شعار بی‌بیش نیست. اتفاقاً آخرین درجه سرمایه در ایران، متأسفانه سرمایه انسانی است.

نکته سوم، باز هم این‌ها را به صورت زنجیروار کنار هم قرار بدهیم. دوستان عزیز و همکاران، شما از دانشگاه‌های خودتان، دانشگاه‌های تیپ یک، که خوشبختانه دانشگاه کردستان را در آن حد هم می‌توانیم تلقی بکنیم، آمار بگیرید؛ سه سال اخیر می‌بینید که حداقل بین ۱۵ تا ۱۰۰ عضو هیئت علمی مهاجرت کردند یا عملاً جایگزین ندارند، یا کسانی که جایگزین می‌شوند با آن پارامترهایی که من عرض کردم.

خب این رنج، این رنج معیشت، فقط در حوزه خودش، در دایره خودش باقی نمی‌ماند؛ بلکه اتفاقاً می‌رود در لایه‌های دیگر.

ما زمانی برای وزارت کشور و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یک کاری را انجام می‌دادیم، «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان». در آنجا بالاترین سطح اعتماد و سرمایه اجتماعی مربوط به دانشگاهیان بود. ولی من شک ندارم که همین الان هم [پژوهشی] دارد انجام می‌شود، دوستان دانشگاه خوارزمی، نتایجش که دریابید، دیگر این بخش از مرجعیت اجتماعی را ما از دست داده‌ایم.

این را من فکر می‌کنم دوستان سیاست‌گذاران، دوستان حکمرانان، دوستان وزارت علوم، از این منظر باید به قضیه نگاه کنند. وگرنه بعد از یکی دو سال همه عادت می‌کنند، دنبال شغل‌های دوم، سوم می‌روند.

اما من نکته آخر را عرض کنم خدمتتان. واقعاً من چهار تا سؤال جدی دارم. شاید بخشی‌اش را خودم بتوانم پاسخ بدهم و بخشی‌اش را دوستانی که در جلسه شرف حضور دارند.

واقعاً در حال حاضر، همین‌ور را نگاه بکنیم: در دانشگاه چه مسائلی پژوهش می‌شود؟ چه کسی دانش را تولید می‌کند در ایران؟ دانشگاه چه دانشی به حوزه مشاوره سیاستی در این مملکت وارد می‌کند؟ و نهایتاً اینکه صدای چه کسی شنیده می‌شود؟

اگر امروز آقای دکتر عارف نبودند، شما شک نکنید که این حرف‌ها و این گلایه‌ها فقط در حد وزارت علوم که عمدتاً به عنوان یک وزارت خدماتی [به آن] در ایران نگاه می‌کنند، می‌ماند.

تا زمانی که دیدگاه ما، رویکرد ما نسبت به علم، دانش، دانشگاه و اعضای هیئت علمی این باشد، اتفاقی نمی‌افتد.

و باز هم عرض می‌کنم خدمت شما، کاش ما در آغاز سال تحصیلی برای مسائلی مهم‌تر از این بحث، در واقع نوآوری‌ها، فناوری‌ها، رقابت بین‌المللی، فرصت‌های مطالعاتی که در اختیار همکاران می‌توانستیم بگذاریم و... تا سیاست‌گذاری‌های دیگر که دانشگاه‌های دوروبر ما الان در واقع راجع به آن‌ها سیاست‌گذاری می‌کنند، صحبت می‌کردیم.

و اینکه ما را دو سال، سه سال و عنقریب هم احتمالاً این ویروس ذهنی دست‌بردار نیست؛ در آغاز سال تحصیلی هم اعضای هیئت علمی را گرفتار می‌کنند که آقا ۳۰ درصد، ۵۰ درصد، ۷۰ درصد...

دوستان سیاست‌گذار که الان در جلسه حضور دارند، اعلام کنم خدمتتان: همین الان کشورهای عمان و امارات دارند این ته‌مانده نخبه‌های ما را هم جذب می‌کنند. شما خطر را از این منظر ببینید.

دکتر سیف: آقای دکتر، اگر محبت کنید یک مقدار کوتاه‌تر.

دکتر دانش‌مهر: خیلی ممنون. صحبت زیاد است. من از دوستان استفاده می‌کنم. باز هم سؤالی باشد در حوزه بنده، در خدمتتان.

دکتر سیف: خیلی متشکر، خیلی ممنون بابت [صحبت‌ها]. نام بسیار زیبایی دارید؛ دانش و مهر کنار هم قرار گرفته، بسیار بسیار ترکیب قشنگی است. گفتارتان بسیار بسیار وزین و قشنگ بود. سؤالاتان را من یکی دو تایش را یادداشت کردم برای خودم.

خب، من در خدمتتان هستم. اکنون ما در حوزه [های مختلف] متوجه قدرت بانوان در کشورمان شدیم و فهمیدیم که بانوان چه قدرتی، به‌ویژه در چند سال گذشته، از خودشان نشان دادند.

بنابراین مایه افتخار ماست که بخشی از، در واقع، سلک استادی زینت بسیار بزرگی دارد؛ این هم اینکه قسمتی از استادان ما بانوان هستند و این استادبانوان به عنوان ثروت محسوب می‌شوند، واقعاً به عنوان ثروت.

در اینجا دعوت می‌کنم از استادبانو، سرکار خانم دکتر آغاز، عضو کانون مرکزی، که در واقع ما از بیاناتشان استفاده بکنیم.

دکتر آغاز: خیلی ممنون از شما. سلام می‌کنم خدمت همه اساتید محترم.

من همیشه هر وقت هر جایی صحبت می‌کنم، می‌گویم خیلی خوشحال هستم که الان در این جمع، در کنار همدیگر هستیم و می‌توانیم صحبت کنیم. الان برای اولین بار می‌گویم خیلی ناراحتم که الان ما اینجا دور همدیگر جمع شدیم که برای یک حق خیلی طبیعی بخواهیم دور هم جمع بشویم و صحبت بکنیم. ان‌شاءالله که دیگر از این اتفاق نیفتد.

ضمن اینکه جا دارد من هم مثل بقیه همکاران قدردانی کنم از آقای دکتر عارف و بگویم چقدر خوب است که ما آدم‌هایی مثل آقای دکتر عارف را داریم. ما حرف ایشان را باور می‌کنیم، ولی به هیچ عنوان باور نمی‌کنیم که در این مسیر کارشکنی‌هایی صورت نگرفته؛ قطعاً صورت گرفته.

یکی از این کارشکنی‌ها، به نظر من، مطرح کردن بحث عملکرد بوده و من اینجا می‌خواهم به عنوان یک متخصص منابع انسانی در این زمینه صحبت کنم. من رشته‌ام مدیریت هست، از دانشکده مدیریت دانشگاه امیرکبیر.

بحث عملکرد، بحث بسیار پیچیده‌ای است. وقتی ادعای پرداخت مبتنی بر عملکرد وجود دارد، باید مدل‌های علمی آن را پشتیبانی کنند. تا جایی که من اطلاع دارم، با توجه به اینکه من سال‌هاست دارم برای مجموعه‌های مختلف سیستم پرداخت مبتنی بر عملکرد طراحی می‌کنم، کاملاً داستان اساتید فرق دارد.

از صبح هم دارد گفته می‌شود که اصلاً از اول پرداخت استادها بر اساس عملکرد بوده. این را الان دیگر کدام قسمتش را می‌خواهند عملکردی کنند؟

و یک مسئله دیگر که وجود دارد؛ اگر یک مدل علمی بر اساس تجارب جهانی وجود دارد که می‌شود ما استادها را عملکردی دسته‌بندی کنیم، شاخص برایش بگذاریم و ارزیابی بکنیم، بسم‌الله، ارزیابی بکنیم.

ولی الان من این را می‌خواهم بگویم: من به عنوان رئیس دانشکده مدیریت دانشگاه امیرکبیر، الان بخشی از وظایف هر روزم هم شده که اساتید جوان را صدا بکنم و باهاشان صحبت بکنم، بهشان دل‌داری بدهم: «آقا، شما مهاجرت نکن، نرو توی آن سازمان».

آیا این در عملکرد من ثبت خواهد شد؟ این الان کجا توی ارزیابی من دیده می‌شود؟

یا اینکه استادهای ما به عنوان رول‌مدل عمل می‌کنند، به عنوان یک الگو برای بچه‌های ما دارند عمل می‌کنند. اینکه در مواقعی پیش آمده دانشجو دچار افسردگی شده، حتی خواسته دست به خودکشی بزند، این استاد بوده که زیر بال‌پرورش را گرفته، باهش صحبت کرده، دل‌داری داده؛ دانشجو آمده در مورد حتی مسائل شخصی‌اش صحبت کرده.

آیا این‌ها در ارزیابی عملکرد ما لحاظ خواهد شد؟

پس من فکر می‌کنم مهم‌ترین نکته‌ای که وجود دارد این هستش که ما واقعاً بر اساس یک مدل علمی بخواهیم این قضیه را، اگر قرار هست پیش برود، پیش ببریم؛ که اصلاً در هیچ کجای دنیا هم چنین مدلی وجود ندارد.

و من خواستم فقط روی این نکته تأکید کنم که به عنوان، نه یک استادی که الان بحث معیشت هم برای شما هست، هم برای من هست، برای همه‌مان هست؛ به عنوان کسی که توی حوزه منابع انسانی کار کرده و کارش پرداخت مبتنی بر عملکرد هست، خواستم این نکته‌ها را ذکر بکنم. خیلی ممنونم.

دکتر سیف: خیلی متشکر. بسیار بسیار دقیق، عمیق و البته برای من خیلی آموزنده بود.

عرض کنم که اولاً اطلاع بدهم که ما از دو نفر از مسئولان، جناب آقای دکتر نجفی‌خواه، معاون سازمان برنامه و بودجه، و جناب آقای پندار، معاون پشتیبانی وزارت علوم، دعوت کردیم برای این پنل. حتی از جاهای مختلف، همکاران ما امکاناتی داشتند که در واقع سفارش کنند که حتماً حضور پیدا کنند.

همان‌جوری که پیش‌بینی می‌کردیم، حضور پیدا نمی‌کنند. چرا؟ چون اصولاً در جمهوری اسلامی «مسئول»، اسمش «مورد سؤال قرار گرفتن» از نظر لغوی هست، ولی ما در جمهوری اسلامی، موقعی که همه لغات را عوض می‌کنیم، مسئول هم به کسی [گفته می‌شود] که مورد سؤال نباید قرار بگیرد! چون این بزرگواران خودشان را اجل از این می‌دانند که مورد سؤال قرار بگیرند، نیامدند. این هم گلابه ما.

اما خوشبختانه ما در بین خودمان، یعنی در کانون مرکزی، یک کارشناس یا یک ابرکارشناس حوزه مالی داریم که مطمئنم اگر دولت بخواهد از مشاوره دعوت کند برای اینکه راه بهش یاد بدهد، حتماً جناب آقای دکتر عسکریان ماست.

جناب آقای دکتر عسکریان توی چند ماه گذشته یکی از اساسی‌ترین و اثربخش‌ترین فعالیت‌ها را در درون کانون، در واقع، به عهده گرفتند. هرچند جناب آقای دکتر توفیقی، جناب آقای دکتر ابری نیا و دوستان دیگری در کانون پیگیر، خیلی پیگیر هستند، ولی کار کارشناسی را واقعاً جناب آقای دکتر عسکریان انجام می‌دهند.

بنابراین مطمئن باشید آخرین اطلاعات در حوزه مالی و همچنین در مورد موضوع قوانین را جناب آقای دکتر عسکریان می‌دانند؛ که من خودم شخصاً افتخار می‌کنم که توی بعضی از نشست‌ها فقط گوش می‌کنم به صحبت‌های ایشان.

حالا افتخار داریم که در خدمت جناب آقای دکتر عسکریان باشیم.

دکتر عسکریان: من اول تشکر کنم از صحبت‌هایی که کردند، ولی خب من باور ندارم این فرمایشات آقای دکتر در مورد من باشد یا فرد دیگری، چون خب خیلی چیزها را من باید یاد بگیرم، عزیزان، و یاد می‌گیرم.

به هر حال از لطفشان تشکر می‌کنم.

برای اینکه وقت گرفته نشود، فرمودند سه یا چهار دقیقه، من هم به چهار تا موضوع، هر کدام در حد کمتر از یک دقیقه اشاره می‌کنم.

نکته اول که آقای دکتر عارف... آقای دکتر فرمودند، ببینید نقش دکتر عارف در دولت پزشک‌بان با نقش ایشان در دولت خاتمی خیلی متفاوت است. در دولت پزشک‌بان برای انجام یک کار مشابه، به نظر من آقای دکتر عارف پنج برابر باید انرژی صرف کند تا همان نتیجه را بتواند بگیرد. دلایلش را خودتان می‌دانید.

بنابراین دوستانی که حالا گوشه و کنار صحبت می‌کنند که چرا سرعت نتیجه‌گیری عین سال ۸۳ نیست، به این نکته عنایت داشته باشند. تحلیل‌های خودتان بهتر از من. این یک نکته.

نکته دوم؛ حالا به دلایلی، چون من یک مدت با سازمان برنامه مشاور بودم، وزارت علوم هم که می‌رفتم، با بدنه سازمان ارتباط خوبی داشتیم. حالا دوستان در سازمان برنامه، وقایعی که می‌خواهد اتفاق بیفتد یا در نظر دارند، به قول آقای دکتر، تا یک حدی، حالا یا به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، می‌توانیم از دلشان دریاوریم. این حالا یک توفیقی است که بالاخره دوستان، علی‌رغم همه مشکلاتی که ایجاد می‌کنند، دارند در این رابطه.

ببینید، فراز و نشیب‌های زیادی داشت. توی اواخر هفته گذشته یا اوایل هفته گذشته، این دوستان ته حرفشان این بود - حالا من به گذشته‌اش خیلی کار ندارم - که تقریباً ما کار را تمام کردیم. یعنی ما که می‌گوییم بالایی‌هایشان، و این مصوبه شورای حقوق و دستمزد تغییر خواهد کرد و بعد برگردد به عملکردی. ولی حالا بحث‌هایی هست برای سال [آینده]، باید ببینیم چه بکنیم.

و از قضا گفتند که این‌ها نقل‌قول از آن طرف آمده، دوشنبه قرار است شورای حقوق و دستمزد تشکیل بشود. برای تشکیل این جلسه هم وزرا را، عمدتاً غیر از وزرای خودمان، آماده کردند که همه امضا کنند. یک تعدادی هم دست‌گردان امضا کردند و خیلی نگرانی‌هایی ایجاد کرد. خود آقای دکتر توفیقی، بقیه دوستان، پیام‌هایی که ردوبدل شد...

می‌گفتند خب، خوشحال باشند دیگر، عملکردی [می‌شود]...

به هر حال از صبح دوشنبه تا عصر مرتب این فرایند را پیگیری می‌کردیم که اگر این اتفاق بیفتد، خب پس همه‌چیز می‌رود روی هوا و احیاناً اطلاعیه کانونی هم که در آنجا وجود داشت، امروز باید مثلاً شکل دیگری به خودش بگیرد و این‌ها.

خوشبختانه دوشنبه عصر که زنگ زدیم، گفتند که اصلاً مسئله به کلی تغییر کرد؛ یعنی برای اولین بار رئیس سازمان با رئیس‌جمهور تماس گرفته و گفته صلاح نیست این [کار انجام شود].

خیلی برایم عجیب بود. حالا چه می‌تواند پشتش باشد، بحث‌های مختلفی [هست]. کلاً کنار گذاشته شد و همین پول‌ها هم به‌موقع داده می‌شود. کسورات هم ما کاری نداریم؛ اگر دانشگاه‌ها می‌خواهند کم کنند، بکنند. سال دیگر هم پول را بر همین مبنای احکام ترمیم‌شده می‌گذاریم.

این خبری بوده که آمده. بعداً حالا من توی گروه‌هایم تا یک حد گذاشتم، ولی این می‌تواند دو جور تفسیر داشته باشد که تفسیرش با شما؛ بحث ندارم. ولی خب خبر خوبیه، در هر حال نسبتاً خبر خوب.

اما نکته سوم؛ ببینید با توجه به این فیدبکی که حالا از سازمان آمده و آقای دکتر محکی هم گفتند، من رویه ایشان را در حال حاضر پیشنهاد می‌کنم به همه دانشگاه‌ها که حتماً کسورات کم کنند از قسمت دوم و پرداخت را در نحوه داخلی با جابه‌جایی انجام بدهند.

ما جهش علمی داریم، تدریس داریم، حق تحقیق داریم که همه‌شان عملکردی است. از جدول شماره ۹ عددش را بدهند به این‌ها، پولی که می‌دادند به این‌ها را بدهند برای حقوق و حقوق کم کنند؛ چون کم کردن عملکرد [با] کم کردن کسورات، دو مسئله متفاوت است.

حالا با توجه به این نظر نسبتاً مثبتی که حالا یا به مصلحت یا به واقعیت داخل سازمان آمده، کمک می‌کند که بازنشستگی‌هایمان قاعده‌مند باشد. [برای] استاد هم تحت فشار افکار عمومی بهتر است این جوری کم بشود.

در فرم پنجم، وقتی بخواهند متمم بودجه را، آخر سر بودجه تفصیلی را بدهند، می‌شود با کمک وزارت علوم - هم می‌گویند این کار را بکنید - مانعی نمی‌بینم. خوب است. بنابراین می‌شود این قسمت را هم به این ترتیب برد جلو.

مطلب آخر اینکه به هر حال آقای دکتر پندار هم خوب زحمت زیادی کشیدند در مورد این [موضوع]. خوب است که ایشان، حالا اگر اینجا نمی‌شود، در کانون دعوت بکنیم و با همفکری هم [موضوع را دنبال کنیم].

نه، اینجا را نمی‌گویم؛ متوجهم آقای دکتر گفتند «مسئول» و تفسیر سؤال و غیرسؤال، آن‌ها را. من می‌گویم بالاخره ما واقعیت این است که مواجهیم با یک همچین وضعی و باید کار کنیم.

مهم این است که ما گلیممان را بتوانیم در این شرایط موجود به ثمر برسانیم. مرتب انتقاد کنیم خوب است، در بین خودمان یک مقدار دلمان خالی می‌شود و از این حرف‌ها؛ ولی تهنیت این است که ما نیاز داریم که از وجود این عزیزان استفاده بکنیم. قطعاً هم تأثیرگذار خواهد بود. من عرض دیگری ندارم.

دکتر سیف: خب، آخرین نفر جناب آقای دکتر حاتمی هستند. ایشان عضو شورای مرکزی کانون هستند و یک فرد بسیار آزاده که خیلی راحت صحبتشان را می‌کنند و ما همیشه از بیانات ایشان و نظرات ایشان استفاده می‌کنیم.

البته ناگفته نماند در مورد همین همایش هم بسیار بسیار از ما حمایت کردند و خیلی فعالیت‌های زیادی کردند. آن کلیپ‌هایی که شما توی فضای مجازی می‌بینید، کار جناب آقای دکتر حاتمی است.

جناب آقای دکتر حاتمی، در خدمتتان هستیم.

دکتر حاتمی: خیلی ممنونم.

به نام خداوند جان و خرد.

من عرایضم را توی چند بند، خدمت عزیزان، تیتروار می‌گویم.

از دکتر عارف بسیار تعریف شد و چیزی نیستش که بنده بتوانم اضافه بکنم، اما جا دارد - بنده بازرس در واقع کانون صنفی هستم و عضو شورای مرکزی نیستم، بازرس هستم - و دوست دارم به عنوان عضو خارج از شورای مرکزی عرض کنم خدمت عزیزان که در تمام این مدتی که حالا بنده در خدمت عزیزان هستم، هیچ هفته‌ای تقریباً نبوده که عزیزان حداقل یک جلسه از وقت گران‌بهایشان را برای جلسه ندهند.

و واقعاً کمال تشکر را، به عنوان عضو کانون، از جناب آقای دکتر توفیقی [دارم]. واقعاً نقش بی‌بدیل ایشان هستند. حالا دکتر عارف حکایتش متفاوت است؛ به هر حال ایشان دولتمرد هستند.

ولی از جناب آقای دکتر توفیقی و جناب آقای دکتر ابری نیا کمال تشکر را دارم که بی‌وقفه... یعنی واقعاً گاهی اوقات هستش که ما سهل‌انگاری می‌کنیم، ولی پیش خودم شرمند می‌شوم که چرا نتوانستم وقتم را تنظیم کنم.

کمال تشکر را دارم. همچنین از تمام دوستان عزیزم، همکاران عزیزی که توفیق حضور توی این جلسه را نداشتند، زحمات فراوانی کشیدند؛ آقای دکتر توکلی عزیز که با جناب آقای دکتر عسکریان در واقع آیین‌نامه این قضیه را پیش بردند. فکر می‌کنم حدود دو سال هست، دو سال پیش بودش که روی این آیین‌نامه کار کردند تا به ثمر رسید.

آقای دکتر وفایی عزیز، دکتر صفوی عزیز که توفیق حضور، حضوراً، توی این جلسه را نداشتند. عزیزان واقعاً وقت می‌گذارند برای جلسات کانون.

و همین‌طور آقای دکتر آقابراهیمی از دانشگاه بیرجند که خیلی دوست داشتم که تشریف داشتند اینجا.

نکته دوم؛ تشکر می‌کنیم از بچه‌هایی که توی فضای مجازی کار می‌کنند. حالا خیلی زیادند، من نمی‌توانم اسم ببرم. واقعیت، یک باری از کانون را این عزیزان که بیشتر هم جوان هستند، هیئت علمی جوان هستند، پیش می‌برند و من به سهم خودم تشکر می‌کنم از عزیزان.

واقعیت، برای بحث ۶۰ درصد، قولی که آقای دکتر عارف دادند و تضمینی که در واقع فرمایش آقای دکتر توفیقی - که به قول معروف یکی از ستون‌های آموزش عالی بعد از انقلاب هستند - ایشان به زعم بنده دادند، برای بنده تمام شده است. یعنی قضیه‌ای است که حتماً رخ می‌دهد و سال بعد هم در واقع وارد بودجه می‌شود و اصلاً چیزی نیستش که بخواهم نکته‌ای بهش اضافه کنم.

نکته‌ای که مغفول هستش و به نظر می‌رسد که وزارت علوم - حالا وزارت بهداشت هم الان از همکارم پرسیدم - دارد در واقع این را اصلاً نمی‌بیند، بحث ۱۵ درصدی است که در واقع بر گردنشان هستش.

از بهمن‌ماه، شیوه‌نامه‌اش را باید حتماً بنویسند و از بهمن‌ماه پارسال باید پرداخت بکنند. حالا چه صفر درصد به یکی تعلق بگیرد، چه یک درصد، چه ۱۵ درصد، این باید نوشته بشود و من نمی‌دانم چرا در این مورد کاهلی می‌کنند، سستی می‌کنند.

به هر حال هر زمانی نوشته بشود، از آن تاریخ باید پرداخت [شود]. دوستان تذکر بدهند بابت این قضیه.

و نکته آخری که می‌خواستم ذکر بکنم: قاطبه عزیزانی که اینجا حضور دارند ممکن است مشکل مسکن نداشته باشند، ولی وضعیت مسکن برای اعضای هیئت علمی جوان ما بزرگ‌ترین معضل هستش.

و خواهش می‌کنم که - جناب وزیر تأکید کردند در فرمایشاتشان - شاید توی تهران این مسئله یک مقدار سخت باشد، ولی توی شهرستان‌ها اگر درایتی به خرج بدهند و آیین‌نامه‌ای بنویسند، دست رؤسای دانشگاه را باز بگذارند، با توجه به هر حال موجودی زمینی که توی شهرستان‌ها هستش، حتماً می‌توانند این دغدغه را از روی شانه اعضای هیئت علمی جوان ما بردارند و به راحتی می‌توانند یک نکته‌ای را بگذارند که عزیزان مهاجرت نکنند.

بنده اطلاع کلام نمی‌کنم و خیلی خوشحالم که در خدمتتان هستم. خیلی متشکر.

دکتر سیف: بنا بر این بود که الان به زودی به سمت مخاطبین خواهیم رفت. فقط جناب آقای دکتر عسکریان مثل اینکه نکته‌ای در مورد همین گفتار اخیر جناب آقای دکتر حاتمی دارند...

دکتر عسکریان: ببینید، در مورد این ۱۵ درصد، وزارت علوم داشت پیگیری می‌کرد. منتها وقتی بحث ترمیم حقوق به این شکل درآمد و یک مقدار دچار ابهام شد، طبیعتاً این موضوع هم متوقف شد؛ چون بالاخره باید اول مشخص می‌شد که تکلیف این ترمیم چه می‌شود.

ولی آن چیزی که ما دنبال کردیم و روی آن بحث شد، این بود که این ۱۵ درصد را چطور باید عملکردی کرد.

پیشنهادی که مطرح بود این است که مثلاً یک بخشی، حالا ۱۰ درصد یا یک عددی، بر اساس وظایف پایه‌ای عضو هیئت علمی باشد؛ یعنی آن وظایفی که به هر حال عضو هیئت علمی موظف است انجام بدهد. یک بخش دیگر هم بر اساس فعالیت‌های اضافه و عملکردهای متفاوتی باشد که اعضای هیئت علمی دارند.

مثلاً شما نمی‌توانید برای همه رشته‌ها یک شاخص بگذارید. کسی در علوم انسانی کتاب می‌نویسد، کسی در رشته‌های فنی پروژه صنعتی دارد، یکی فعالیت انجمنی دارد، یکی کنفرانس برگزار می‌کند، یکی فعالیت علمی و پژوهشی دیگری دارد. این‌ها باید به شکلی دیده بشود که اعضای هیئت علمی بتوانند از بین شاخص‌های مختلف، متناسب با رشته و فعالیتشان، امتیاز بگیرند.

یک پیش‌نویسی هم در این رابطه تهیه شده و فکر می‌کنم الان پیش آقای دکتر صدیق هست. البته هنوز جای کار دارد و باید روی آن بیشتر بحث بشود تا یک مدل قابل اجرا دربیاید.

دکتر سیف: خیلی ممنون، متشکرم.

خب، حالا همان‌طور که قول داده بودیم، می‌رویم سراغ دوستان و همکارانی که در جلسه حضور دارند. دوستان اگر سؤال، نقد، نظر یا پیشنهادی دارند، بفرمایند.

البته من قبلش تشکر بکنم از دوستانی که به صورت مجازی هم همراه ما هستند؛ جناب آقای دکتر توکلی، جناب آقای دکتر صفوی، جناب آقای دکتر وفایی و همه عزیزانی که از راه دور برنامه را دنبال می‌کنند.

حالا در خدمت دوستان حاضر در سالن هستیم.

دکتر پاینده - دانشگاه پیام نور

سلام عرض می‌کنم خدمت اساتید محترم و تشکر می‌کنم از کانون که این جلسه را برگزار کردند. من عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور هستم و می‌خواهم یک مسئله‌ای را مطرح کنم که شاید خیلی از دوستانی که در دانشگاه‌های دیگر هستند، از ابعادش اطلاع نداشته باشند. واقعاً وضعیت معیشتی اعضای هیئت علمی دانشگاه پیام نور به یک بحران رسیده.

ما الان معوقات داریم که پرداخت نشده. در تیرماه، ۱۰ درصد حقوق ما پرداخت نشده؛ در مردادماه، ۳۰ درصد حقوق پرداخت نشده. بیمه ما را فقط ۲۳ روز رد کردند. برای شهریورماه هم، آن‌طور که اطلاع داریم، ظاهراً ۲۱ روز حقوق برای ما در نظر گرفته شده. یعنی عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور الان نه تنها بحث ترمیم حقوق را دارد، بلکه بخشی از همان حقوق عادی خودش را هم دریافت نمی‌کند.

من خواهم از کانون این است که این مسئله را به صورت جدی پیگیری بکند. ما حدود سه هزار عضو هیئت علمی در دانشگاه پیام نور داریم و این سه هزار نفر واقعاً الان با یک مشکل جدی مواجه هستند. دانشگاه پیام نور بخشی از همین نظام آموزش عالی کشور است و اعضای هیئت علمی آن نباید احساس کنند که از بقیه اعضای هیئت علمی کشور جدا هستند. خواهم این است که کانون در کنار موضوع ترمیم حقوق، این مسئله را هم در دستور کار خودش قرار بدهد و از مسئولان مربوطه پیگیری بکند. خیلی ممنون.

دکتر سیف: خیلی متشکرم. حتماً این نکته‌ای که فرمودید نکته مهمی است و فکر می‌کنم باید به عنوان یکی از موضوعات در دستور کار کانون قرار بگیرد و پیگیری بشود.

دکتر امی تربیت مدرس: بسم الله الرحمن الرحيم. عرض سلام و ادب دارم خدمت همه استادان و همکاران عزیز. من ابتدا یک نکته تاریخی را عرض بکنم. سال ۱۳۹۲، زمانی که آقای دکتر عارف به نفع آقای روحانی کنار رفتند، من خدمت ایشان عرض کردم که شما الان یک سرمایه اجتماعی بزرگی در بین دانشگاهیان دارید و خوب است که یک تشکل یا کانونی برای اعضای هیئت علمی تشکیل بشود. آقای دکتر عارف هم استقبال کردند و گفتند که این کار را دنبال کنید.

بعد از آن، آقای دکتر سلطانی، آقای دکتر توفیقی و آقای دکتر ابری نیا و دوستان دیگر پیگیری کردند و به تدریج این کانون شکل گرفت. یکی از انگیزه‌های اصلی ما در آن مقطع هم اتفاقاتی بود که در دوران آقای احمدی‌نژاد برای دانشگاه‌ها افتاده بود؛ استنادی که کنار گذاشته شده بودند، استنادی که بازنشسته شده بودند یا مشکلات دیگری برایشان ایجاد شده بود. در دانشگاه تربیت مدرس هم نمونه‌هایی داشتیم که دوستان در جریان هستند. بنابراین از ابتدا نگاه ما به کانون فقط نگاه معیشتی نبود. بحث حقوق و معیشت بسیار مهم است، اما فلسفه تشکیل کانون بسیار گسترده‌تر از این بوده است. من خودم دو دوره در شورای مرکزی حضور داشتم و مسئول کارگروه «چالش‌ها و ابرچالش‌ها» بودم. ما در این کارگروه حدود ۱۱۳ یا ۱۱۷ جلسه برگزار کردیم. تعداد دقیقش الان خاطرم نیست، ولی بیش از صد جلسه بود.

در این جلسات از افراد مختلف دعوت کردیم؛ از مسئولان، وزرا، صاحب‌نظران و شخصیت‌های مختلف. آقای دکتر ظریف آمدند، آقای دکتر عارف آمدند، وزیر علوم آمد، آقای دکتر پزشکیان آمدند و افراد مختلف دیگری هم حضور پیدا کردند. هدفمان این بود که مسائل اساسی کشور و به‌خصوص مسائل آموزش عالی را بررسی کنیم. ما آن زمان حدود ۱۵ چالش اصلی برای آموزش عالی کشور شناسایی کردیم.

یکی از آن‌ها **استقلال دانشگاه** بود؛ استقلال دانشگاه در پذیرش دانشجو، در جذب هیئت علمی، در مسائل مالی و در اداره خودش. موضوع دیگر **مأموریت‌گرا کردن دانشگاه‌ها و آمایش آموزش عالی** بود. موضوع دیگر سهم پژوهش از تولید ناخالص داخلی بود. سال‌هاست گفته می‌شود باید سهم پژوهش افزایش پیدا کند، ولی در عمل عددی که محقق شده بسیار پایین‌تر از اهدافی است که در اسناد بالادستی تعیین شده. موضوع بعدی **آموزش عالی هوشمند و آینده‌نگری** بود. **دیپلماسی علمی** یکی دیگر از موضوعات مهم ما بود. موضوع بسیار مهم دیگر، **وضعیت اعضای هیئت علمی** بود؛ امنیت شغلی، وضعیت مالی، مسکن، تجهیزات پژوهشی و همه مسائلی که به زندگی حرفه‌ای استاد دانشگاه مربوط می‌شود. **نوآوری و فناوری** موضوع دیگری بود. **ارتباط دانشگاه با صنعت و جامعه و مسئله مهارت‌آموزی** هم از چالش‌هایی بود که بررسی کردیم. موضوع دیگر، فقدان یک سیاست منسجم و هماهنگ در آموزش عالی کشور بود. دانشگاه آزاد و ضرورت رعایت ضوابط و استانداردهای آموزش عالی هم از موضوعات مورد بحث بود. بحث گسترش بی‌رویه و کم‌کیفیت آموزش عالی و مدرک‌گرایی را هم داشتیم. یکی

دیگر از مسائل این بود که نهادهایی خارج از دانشگاه و خارج از ساختار قانونی آموزش عالی برای دانشگاه تصمیم می‌گیرند. استفاده از متخصصان و دانشگاهیان در تصمیم‌گیری‌های کشور، رابطه دانشگاه و جامعه و همچنین مسئله گونه‌شناسی و طبقه‌بندی دانشگاه‌ها هم جزو موضوعاتی بود که روی آن‌ها کار کردیم. بنابراین عرض من این است که کانون باید دوباره به این مأموریت‌های اساسی برگردد.

امروز جای سؤال است که چرا مسئولان وزارت علوم در چنین جلسه‌ای حضور ندارند. وقتی کانون صنفی استادان دانشگاهی کشور جلسه برگزار می‌کند، انتظار طبیعی این است که مسئولان مرتبط بیایند، بنشینند و حرف اعضای هیئت علمی را بشنوند. حتی در انتصابات و انتخاب مدیران آموزش عالی هم باید دید کانون چقدر توانسته اثرگذار باشد. ما اعضای هیئت علمی کشور هستیم. این تشکل باید بتواند صدای دانشگاهیان را در تصمیم‌گیری‌های مهم منتقل کند. یک مثال هم عرض کنم. یک فردی برای ورود به دانشگاه اقدام کرده بود و پذیرفته نشده بود. بعداً رفته بود در مجموعه پتروشیمی خلیج فارس و درآمد بسیار بالایی داشت. وقتی شرایط داخل و خارج دانشگاه این قدر متفاوت می‌شود، طبیعی است که بهترین نیروها انگیزه کمتری برای ورود و ماندن در دانشگاه داشته باشند. بنابراین بحث معیشت مهم است، ولی خواهم این است که کانون خودش را فقط به مسئله حقوق محدود نکند. ما باید درباره آینده آموزش عالی، استقلال دانشگاه، کیفیت دانشگاه، مهاجرت اعضای هیئت علمی و جایگاه دانشگاه در حکمرانی کشور هم جدی‌تر کار کنیم. خیلی ممنون.

دکتر رضاییان: بسم‌الله الرحمن الرحیم. من یک داستانی را اول عرض کنم. می‌گویند دو نفر پیش قاضی رفتند. نفر اول حرف‌هایش را زد، قاضی گفت: «حق با توست.» نفر دوم هم حرف‌هایش را زد، قاضی گفت: «حق با تو هم هست.» یک نفر آنجا گفت: آقای قاضی، مگر می‌شود هم این راست بگوید و حق با او باشد و هم آن یکی؟ قاضی گفت: «حق با تو هم هست!» حالا ما اینجا یک مقدار این جور هستیم. همه حرف می‌زنیم و همه هم حرف‌هایمان درست است، ولی بالاخره باید ببینیم مسئله اصلی کجاست و چه کار باید بکنیم. من فکر می‌کنم ما دانشگاهیان باید یک مقدار خودمان را هم نقد کنیم. نمی‌شود همه مشکلات را گردن دولت و دیگران انداخت و خودمان را مبرا بدانیم.

ما در تاریخمان آدم‌هایی مثل مصدق را داشتیم. حسنک وزیر را داشتیم. این‌ها آدم‌هایی بودند که برای اعتقادشان و برای چیزی که فکر می‌کردند درست است، هزینه دادند. ما دانشگاهیان هم باید ببینیم برای دانشگاه و برای جایگاه دانشگاه چه میزان حاضریم هزینه بدهیم. کانون صنفی در این سال‌ها یک ظرفیت بسیار ارزشمندی ایجاد کرده است. همین که امروز ما اینجا کنار همدیگر نشسته‌ایم و می‌توانیم حرف بزنیم، خودش یک ظرفیت است. اما به نظر من امروز باید یک مقدار درباره خود کانون هم صحبت کنیم؛ نه اینکه همه جلسه فقط درباره حقوق و مسائل دولت باشد. یکی از مسائل مهم کانون، بحث عضویت است. ما باید بتوانیم تعداد بیشتری از اعضای هیئت علمی را عضو کانون کنیم. وقتی ما می‌گوییم نماینده اعضای هیئت علمی کشور هستیم، هرچه تعداد اعضایمان بیشتر باشد، طبیعتاً قدرت و پشتوانه بیشتری داریم.

موضوع دیگر حق عضویت است. اگر قرار است کانون مستقل باشد، باید استقلال مالی داشته باشد. استقلال مالی بدون اینکه اعضا سهم خودشان را پرداخت کنند، امکان‌پذیر نیست. همین پذیرایی امروز را نگاه کنید. خیلی ساده و مختصر است. این نشان می‌دهد کانون چه محدودیت‌هایی دارد. ما اگر می‌خواهیم یک تشکل قوی داشته باشیم، خودمان باید هزینه‌اش را هم تأمین کنیم. ولی من فکر می‌کنم ریشه بسیاری از مشکلاتی که امروز داریم درباره‌شان صحبت می‌کنیم، **حکمرانی** است. اگر حکمرانی ما دانش‌بنیان نباشد، اگر مدیران ما علمی فکر نکنند، اگر تصمیم‌گیری‌ها بر مبنای دانش نباشد، طبیعتاً دانشگاه هم نمی‌تواند جایگاه واقعی خودش را پیدا کند.

ما نباید فقط دنبال تقابل با دولت باشیم. باید بتوانیم با دولت تعامل کنیم. تعامل به معنای این نیست که نقد نکنیم؛ نقد باید باشد، ولی در کنارش باید گفت‌وگو و تعامل هم وجود داشته باشد. من یک نکته دیگر را هم می‌خواهم عرض کنم. در کارگروه‌هایی که تشکیل می‌دهیم، چقدر جوان‌ها حضور دارند؟ چقدر خانم‌ها حضور دارند؟ ما مرتب درباره جوان‌گرایی صحبت می‌کنیم، ولی وقتی خودمان می‌خواهیم یک کارگروه تشکیل بدهیم، دوباره همان افراد قبلی را می‌آوریم. من خواهم از آقای دکتر عارف و دوستانی که در کارگروه علم و فناوری هستند این است که در این کارگروه‌ها فقط استادتمام‌ها را جمع نکنید. دانشیار داریم، استادیار جوان داریم، جوانانی داریم که المپیادی بودند، بهترین استعدادهای کشور بودند. این‌ها باید در تصمیم‌گیری‌ها حضور داشته باشند. اگر قرار است برای آینده دانشگاه تصمیم بگیریم، جوانی که قرار است بیست یا سی سال آینده در دانشگاه بماند باید در این تصمیم‌گیری سهم داشته باشد. بانوان هم همین‌طور. حضور بانوان در این کارگروه‌ها باید جدی گرفته شود. اصلاحات اگر قرار است اتفاق بیفتد، به نظر من فقط از بالا به پایین نمی‌تواند باشد. باید از پایین به بالا هم باشد. یعنی اعضای هیئت علمی، دانشگاه‌ها و تشکل‌های دانشگاهی باید بتوانند خواسته‌ها، پیشنهادها و راه‌حل‌هایشان را از پایین وارد نظام تصمیم‌گیری کنند.

اگر ما فقط منتظر باشیم یک نفر در بالا تصمیم بگیرد و بعد آن تصمیم به پایین ابلاغ شود، بسیاری از مشکلاتی که امروز داریم دوباره تکرار خواهد شد. بنابراین خواهش من این است که هم کانون را تقویت کنیم، هم عضویت را گسترش بدهیم، هم استقلال مالی کانون را جدی بگیریم و هم در ساختارهای تصمیم‌گیری، جوان‌ها و بانوان را بیشتر وارد کنیم. خیلی ممنون.

دکتر سیف: خیلی ممنون و متشکر. نکاتی که فرمودید، مخصوصاً در مورد خود کانون و ضرورت گسترش عضویت و همچنین حضور جوانان، نکات مهمی است. دوستان دیگری هم برای صحبت اعلام آمادگی کردند و از فضای مجازی هم سؤالاتی برای ما ارسال شده که ان‌شاءالله تا جایی که فرصت باشد، مطرح می‌کنیم.

سخنران: سلام عرض می‌کنم خدمت همه دوستان و استادان عزیز. من می‌خواهم از یک زاویه دیگری به موضوع نگاه کنم. ما وقتی درباره دانشگاه صحبت می‌کنیم، نباید دانشگاه را فقط در بحث حقوق اعضای هیئت علمی ببینیم. دانشگاه یک سرمایه برای کشور است. اگر این سرمایه درست استفاده بشود، در بخش‌های مختلف صنعت، امور اجتماعی، اقتصادی و سایر حوزه‌ها، قطعاً بیشتر از آن چیزی که تا به حال توانستیم از این سرمایه‌ها استفاده کنیم، استفاده خواهیم کرد و این تهدیدها و چالش‌ها، مثل خروج استاد و دانشجو به عنوان سرمایه اجتماعی، وقتی در داخل کشور جذب بشوند، متناسب با نیازها، به تدریج این تهدیدها کاسته خواهد شد. من خواهشی که از شورای راهبری این کانون دارم این است که اکتفا فقط به معیشت نشود. یک مروری بشود به قانون تأسیس وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در سال ۸۳ که آقای دکتر توفیقی و سایر دوستان آن موقع خاطرشان هست. ما توی امیرکبیر می‌خواستیم رئیس انتخاب کنیم، با نظرسنجی؛ فرصت داده نشد. متشکرم. عذر می‌خواهم اگر اشاره شخصی کردم به دانشگاه.

دکتر سیف: بله، بله. تعدادی سؤال هستش که عزیزان توی فضای مجازی برای دکتر صفوی نوشتند. ایشان محبت کردند این‌ها را جمع‌بندی کردند. برخی‌اش مربوط به موضوعات ما هستش؛ برخی‌اش هم واقعیت من می‌خوانم، ولی فکر می‌کنم در صلاحیت [این جلسه] نیستش که ما بخواهیم پاسخ بدهیم. نکته‌ای که یکی از عزیزان گفته، در مورد تمکین برای پرداخت معوقات بهمن و اسفند طبق احکام قانونی هم صحبت بفرمایید. یکی از دوستان گفته بسیاری از دانشگاه‌ها معوقات نداشتند. فکر کنم تنها پيامی که بودش مربوط به کار ما هستش همین پیام بودش.

در مورد قید زمانی سال ۱۴۰۳ که در آیین‌نامه استخدامی تازه ابلاغ شده، [گفته‌اند] منجر به محرومیت مشمولین سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ در بهره‌مندی از تسهیلات قانون جوانی جمعیت شده؛ لطفاً بررسی بکنید. یک عزیز دیگر گفته: «آقا، میانگین حقوق توی بانک صادرات ۲۶ میلیون تومان...» حالا مواردی که به هر حال هستش، خواهشاً پیگیری بفرمایید. من همه پیام‌ها را تقدیم آقای دکتر توفیقی می‌کنم، به هر نحوی که ایشان صلاح دانستند دست دکتر عارف می‌رسانند و در مورد همسان‌سازی با غیربالی‌های علوم پزشکی، آقای دکتر، یک عزیزی سؤال پرسیده؛ و ساعت کاری و همسان‌سازی وزارت علوم و بهداشت و نکته آخر در مورد وام‌هایی هستش که وزارت علوم گاهی می‌گوید که تخصیص دارد می‌دهد، ولی می‌گویند ما بی‌خبر می‌مانیم و اطلاع‌رسانی درستی نمی‌شود. من کلیه این سؤال‌ها را، با دکتر توفیقی، جمع‌بندی می‌کنم و می‌فرستم.

دکتر محکی: ببینید، ما امسال واقعاً تعامل، همگرایی و هم‌افزایی ارزشمندی داشتیم؛ خیرش برای همه ماست. سال ۹۹ آن موقع این شرایط را نداشتیم و گفت‌وگو نمی‌کردیم؛ خسارت را همه دیدیم. صادقانه عرض کنم خدمتتان، ما آن زمان خدمت عزیزان عرض کردیم - حالا دوستانی که ارتباط داشتیم امروز نبودند - عرض کردیم دومینویی شکل گرفته و ایجاد شده بود که خیلی راحت، آن موقع افزایش حقوق برای همه ادارات انجام می‌شد. آن موقع من هرچه فریاد زدم، خواهش کردم که بزرگواران وزارت علوم، به جای اینکه برویم زلفمان را به زلف همدیگر گره بزنیم و وارد یک مسیری بشویم که خیلی چالش دارد، مثل همین فوق‌العاده، هر چیزی را به حقوق اضافه کنید، تمام بشود و برود. ولی وقتی شد «همسان‌سازی»، خب می‌گوید حالا شما هم بیا مثل وزارت بهداشت، در واقع، تعهد عدم فعالیت انتفاعی بخش خصوصی بده، تعهد تایمکس، نمی‌دانم ۵۵ ساعت بده؛ چیزی که ضرورتی نداشت و کلی هزینه [ایجاد کرد]. ما الان ۵۰ تا از فارغ‌التحصیلان وزارت علوم را که هیئت علمی وزارت بهداشت هستند، هنوز، هنوز چالش داریم؛ یک بخشی از حقوقشان کسر شد. به نظر من، آن مسیر، مسیری است که بن‌بست است و محدودیت ایجاد می‌کند. من به عنوان کسی که... حالا استاد بزرگ و پیشکسوت ما، آقای دکتر رفیع‌نژاد، رئیس، تشریف دارند، من تشکر می‌کنم از ایشان؛ ولی حالا به نمایندگی از همکاران وزارت بهداشت، این را از همان موقع عرض کردیم، الان هم با صدای بلند می‌گوییم: اگر به ما ظلم شده در وزارت بهداشت و به عزیزان ما در وزارت علوم مضاعف، این را کاملاً قبول داریم. حق مسلم عزیزان است که حقوقشان متناسب باشد،

ولی آن پیشنهاد را دادیم، گفتیم آن مسیر بن‌بست است. تمام شد. متأسفانه... و در کل، چون فرمودند که ما چرا تعامل نمی‌کنیم، واقعاً ما با مسئولین دولتی تعامل کردیم. من اسم نمی‌آورم. یکی از مسئولین رده‌بالای دولت، بستگان سببی نزدیکشان هم هیئت علمی وزارت بهداشت هستند. خودشان هم... حالا تمام تلاش خودمان را کردیم یک جلسه نیم‌ساعت گفت‌وگو؛ هر کاری کردیم نشد. تا اینکه سه روز پیش من در کانال مطلبی، شفاف - نگویم علیه ایشان - شفاف‌سازی [کردم]، چند تا سؤال از ایشان پرسیدیم؛ آن موقع با ادبیات تهدیدآمیز می‌خواهد گفت‌وگو بکند. من همه را و خودم را توصیه می‌کنم به مقاله «ناتوانی در گفت‌وگو» استاد زبانی؛ چند بار بخوانیم، یاد بگیریم با همدیگر گفت‌وگو بکنیم.

یکی از اعضای کانون:

بسم‌الله الرحمن الرحیم. من تشکر می‌کنم از همه عزیزانی که بزرگواری کردند تشریف آوردند، مخصوصاً سرورانی که از راه دور تشریف آوردند، و تشکر می‌کنم از همه کسانی که باعث و بانی برگزاری این جلسه بودند. جناب آقای دکتر توفیقی، جناب آقای دکتر ابری نیا عزیز، جناب آقای دکتر سیف که به هر صورت مسئولیت هماهنگی جلسات را داشتند، [و] همه سروران عزیز. آقای دکتر توفیقی، من فکر می‌کنم ما الان بیش از هر چیز باید یک تصمیمی بگیریم. ببینید، ما یک بیانیه دادیم و می‌خواهم که... حالا ما قطعاً شورا جلسه خواهد داشت، امشب یا فردا شب، ولی اعضا هم منتظرند. یک بیانیه دادیم که گفتیم: آقا، اگر حل نشد، ما اول مهر تمام فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی‌مان را تعطیل می‌کنیم و از اساتید سراسر کشور هم می‌خواهیم که این کار را بکنند.

امروز فرمایشاتی را آقای دکتر عارف فرمودند و یک صحبت‌هایی شد و به هر صورت همه هم کف زدیم؛ بعدش هم البته هر که علیه آن صحبت کرد، باز هم به قول آقای دکتر کف زدیم! ولی بالاخره آقای دکتر، باید یک تصمیمی بگیریم. اعضای ما در سراسر کشور منتظرند که تصمیم کانون چیست بعد از جلسه امروز. این نکته مهمی است. من خواهش می‌کنم این است که ولو در حد چند ثانیه، سروران اگر پیشنهادی دارند بگویند.

ولی من اعتقاد دارم که ما در حقیقت شمشیرمان را اگر پایین هم بیاوریم، غلاف نباید بکنیم. یعنی ممکن است بگوییم با توجه به فرمایشات آقای دکتر عارف که در دست انجام است و در هفته‌های آتی این مشکل به صورت کامل حل خواهد شد، مثلاً تا اول آبان‌ماه کانون تهدید خودش را عقب می‌اندازد، یا هرچی. به نظر من این مسئله مهمی است که اگر ما نظر مشورتی اعضا را داشته باشیم، ممنون می‌شوم.

دکتر عسکریان: درباره بازنشستگان مهم این است که وقتی جاری بشود و احکام وجود داشته باشد... قید ندارد که این‌هایی که ۱۴۰۵ بازنشسته می‌شوند، یا ۱۴۰۴ شدند یا ۱۴۰۳، شامل همه بازنشستگان اتوماتیک می‌شود؛ یعنی چه حکم را بر اساس نرخ قبلی داشته باشند، چه جدیداً صادر کرده باشند که در حکمشان مثلاً پایان امسال [باشد]، این استثنا ندارد. منتها مهم همین است که ایشان گفتند؛ ببینید، باید احکام این‌ور کامل، سریع و جاری بشود که هنوز نشده. یعنی الان در دو بخش پرداخت شده و این‌ها. بعد وقتی این تثبیت شد، الان به نظر خودم می‌آید که با توجه به تحولاتی که هفته گذشته رخ داده و حالا بحث‌هایی که آقای دکتر عارف امروز کردند، ظرف یکی دو ماه این نهایی می‌شود و از آن موقع است که کانون می‌تواند مطالبه داشته باشد. حالا کانون چی... ولی همین الان که به هر حال، حالا به قول آقای دکتر، برای اول مهر این‌ها گفته شده یا بعد مهر هم ادامه... اجازه بدهید به نظرم ما این بحث‌ها را آخر آبان بکنیم. در آخر آبان همه چیز روشن می‌شود.

بله، این‌ها شاملشان خواهد شد، آن‌ها هم شاملشان [خواهد شد]. البته ببینید، سازمان بازنشستگی یک بحثی است که دکتر عارف هم به درستی گفتند؛ سازمان بازنشستگی از دولت جداست، اما در عمل در ایران جدا نیست، برای اینکه پولش را، کسری‌اش را شاید از دولت بگیرد. پس بنابراین دولت اگر این را قبول کرد، به تبع آن... حالا ما به عنوان واسطه می‌توانیم کمک بکنیم و خود دولت هم به دنبال این کار خواهد رفت، چون خود بازنشستگان از اعضای هیئت علمی کم نیستند. بنابراین من خلاصه‌اش، به نظرم می‌رسد وقتش آخر مهر، آخر آبان است که یکی دو ماه این فرایند به انتها برود.

جمع‌بندی دکتر توفیقی: خیلی متشکرم. دیگر دوستان به اندازه کافی خسته شدند. ما هم استفاده کردیم واقعاً از فرمایشات عزیزان. نفس برگزاری این جلسه واقعاً خیلی مغتنم هستش؛ دیدار دوستان، گفت‌وگو، تبادل نظر و شنیدن نقطه‌نظرات، به نظر من بسیار ارزشمند هستش. من هم مثل دوستان فکر می‌کنم که این انعطافی که الان در بحث موضوع ترمیم حقوق پیش آمده و ظاهراً همه دیگر دارند می‌گویند حل شد و پرداخت کنید... چون وزارت علوم هم اصرار دارد که شما [کسورات را] کم نکنید. یک نامه هم من از سازمان بازنشستگی دیدم، آقای دکتر

عسکریان، که رئیس سازمان بازنشستگی در پاسخ به سؤال آقای دکتر امید نوشته بود: «ما هیچ مشکلی نداریم؛ شما هر چند تکه هم که حقوق دریافت می‌کنید، کم کنید، ما هیچ مشکلی نداریم.» بنابراین فکر می‌کنم که بحث کسورات هم ان شاء الله قابل حل هستش.

عرض می‌کردم که احتمالاً این انعطافی که الان ما داریم توی این مسئله می‌بینیم، حتماً حاصل بیانیهای است که کانون داد و جلسه امروز و خبری که بالاخره از چند روز پیش پیچیده بود. نشان می‌دهد که کانون می‌تواند با انسجامی که دارد، با تجمیع اعضای هیئت علمی، اثرگذاری بیشتری داشته باشد؛ حالا نه فقط توی بحث حقوق، ان شاء الله توی همه مسائل دیگر. تجربه خیلی خوبی بود. آقای دکتر سیف، من از شما تشکر می‌کنم، بالاخره مدیریت [جلسه را بر عهده داشتید]. از همه عزیزان دیگر هم... نمی‌خواهم دوباره برگردم و تشکرات را تکرار کنم. ما راجع به قطعنامه، دوستان گفتند که فقط شامل حقوق نشود؛ حتماً بالاخره محورهای متنوعی باید توش باشد. حالا این‌ها را اشاره کردید، من این را هم خدمت شما بگویم، قبل از ادامه جمع‌بندی. ببینید، بحث خیلی از اختیاراتی که شورای عالی انقلاب فرهنگی از وزارت علوم گرفته، متأسفانه با همکاری وزرای وقت - متأسفانه باید بگویم با همکاری وزرای وقت - این‌ها تماماً اختیارات وزارت علوم و وزارت بهداشت هست، به استناد قانون مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در سال ۸۳.

آیین‌نامه ارتقا، قانون جذب هیئت علمی، تمام این‌ها که در یک مقطعی بعد از سال ۸۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی آمده در اختیار گرفته، وزرای وقت ما هم همکاری کردند، نه تنها مخالفت [نکردند]. الان آقای دکتر عارف در این دوره ادعایش این است که این‌ها همه از اختیارات قوه مجریه هستش. علی‌رغم اینکه خود ایشان هم عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی هستند، شروع کردند به بازگرداندن این اختیارات. اولین قدم، قانون جذب هیئت علمی، همین بحث هیئت عالی جذب که در جریان هستید. این را الان بردند در هیئت دولت، دارند مطرح می‌کنند؛ در کمیسیون‌های علمی‌اش آیین‌نامه‌اش را بردند آنجا، به تصویب برسد و ابلاغ بشود. یک بخشش هم آیین‌نامه ارتباط و آن متأسفانه ماده یکی که شما می‌فرمایید که... نه، نه، اصلاً آن را هم الان طبق برنامه قانون هفتم به خود وزارت علوم گفتند شما توی این‌ها تجدیدنظر کنید. بنابراین فرمایش شما کاملاً درست است. متأسفانه این‌ها مصوباتی بوده که هیچ مبنای علمی و اخلاقی و قانونی نداشته. حالا ان شاء الله به تدریج برگردد. من وقتتان را زیاد نگیرم. آقای دکتر سیف راجع به قطعنامه اشاره کردند که خوب حتماً تأکید می‌کنیم که فقط حقوق نباشد. درست است. نکته آقای دکتر کوهی، الان دیگر جای بحثش نیست. اجازه بدهید یا امشب یا فردا جلسه شورای مرکزی باشد، تصمیم بگیریم راجع به آن. الان دیگر وقت گذشته و همه خسته شدند.

علاوه بر این، دوستان عزیز، نکاتی که اینجا دوستان به عنوان دغدغه مطرح می‌کنند، کانون بعد از جلسه جمع‌بندی می‌کند؛ مثلاً بحث بازنشسته‌ها، دانشگاه پیام نور که اشاره کردند دوستان، این‌ها را به مسئولین ذی‌ربط جمع‌بندی می‌کنیم، منعکس می‌کنیم و پیگیری می‌کنیم. بنابراین اجازه بدهید بحث معوقات بهمن و اسفند و همه نکاتی که گفته شد را جداگانه پیگیری بکنیم و به مسئولین ذی‌ربطش هم ارجاع بدهیم. من دیگر نکته‌ای ندارم.

سخنران از میان حاضران: سلام علیکم. با سلام و سپاس حضور همه همکاران گرامی و تشکر از زحماتی که کشیدند. من می‌خواستم یک نکته را اضافه کنم. اگر ممکن است در آن قطعنامه نهایی حتماً در نظر بگیرید، آقای دکتر توفیقی، و آن مسئله تعطیلی دانشگاه‌هاست که الان حدود هفت ماه عملاً ادامه داشته و لطمه بسیار سنگینی به آموزش و پژوهش در دانشگاه‌ها زده. دانشجویان کارشناسی کماکان ممنوع‌الورود هستند. دانشگاه به صورت پادگان درآمده؛ هر کسی بخواهد ورود و خروج داشته باشد، جواز می‌خواهد. ما یک کاری [بکنیم] در آن قطعنامه قید بشود که هر اتفاقی بیفتد، باید دانشگاه‌ها باز باشد و آموزش و پژوهش حضوری باشد. ما هشت سال جنگ تحمیلی را داشتیم، مدارس و دانشگاه‌ها تعطیل نشد. دشمن می‌آید یک شهرستانی، یک جایی از کشور ما یک بمب می‌اندازد، ما کل کشور را تعطیل می‌کنیم. این اصلاً صحیح نیست. بسیاری شهرها و روستاهای ما حتی آمادگی آموزش دارند. من پیشنهادم این است که در قطعنامه نهایی، ضرورت باز بودن دانشگاه‌ها به هر قیمتی قید بشود.

دکتر سیف: خیلی ممنون از همه عزیزان. تشکر مجدد. خسته نباشید.